

حقیقت

نشریه روزانه دهمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران / سینما حقیقت • شماره پنجم • پنجشنبه ۱۸ آذرماه ۱۳۹۵

CINEMA VERITE IRAN INTERNATIONAL DOCUMENTARY FILM FESTIVAL.No.5.THU,8thDEC.2016



عکس: مریم سعید پور

تهران قلب تپنده سینمای مستند جهان

- حضور ۴۴ فیلمساز، تهیه کننده، مدیر جشنواره و بازار یاب بین المللی در دهمین جشنواره سینما حقیقت
- برگزاری نشست های ویژه با مهمانان خارجی برای معرفی سینمای مستند ایران در بازار فیلم جشنواره

نیازهای تازه کارگاه های تازه

گفت و گو با علیرضا قاسم خان، معاون پژوهشی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی

6

مستند صادق ترین گونه سینما است

گفت و گویی شاعرانه با محمد علی بهمنی درباره رابطه شعر و سینمای مستند

8

5 CUT + کاغذ

تجلی نگاه شهودی سید

علیرضا رضاداد، داور بخش جایزه شهید آوینی از کیفیت آثار جشنواره دهم می گوید



هیجان در نیمه راه

حال و هوای پردیس چارسود در چهارمین روز دهمین جشنواره «سینما حقیقت»

باشگاه خبر

۴

چهارمین

شهریه روزانه دهمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران / سینما حقیقت | شماره پنجم | پنجشنبه ۱۸ آذر ماه ۱۳۹۵

تدوین و گفتار متن در سینمای مستند

۱ گاه نقش تدوین در سینمای مستند باید به صفر برسد یا تاثیرات آن نازل و اندک شود، ولی رویکرد مقابل آن، نقش تعیین کننده‌ای برای تدوین قائل است تا حدی که گروهی معتقدند فیلم مستند روی میز تدوین ساخته می‌شود. این موضوع به رویکرد فیلمساز بستگی دارد که چه روشی را اختیار کند. فیلمسازی که معتقد است باید واقعیت به صورت جامع و کامل روی نوار ضبط شود و نباید با تدوین دستکاری و تنظیم مجدد شود، اصالت را به تصویر می‌دهد، اما رویکرد مقابل آن اصالت را به تدوین می‌دهد تا آن جا که اگر تدوین به کار گرفته نشود، فیلم مستند به عنوان هنر در ساختار تشخیص و موجودیت پیدا نمی‌کند. من جزو گروهی هستم که اغلب و نه همیشه اصالت را به تدوین می‌دهند با توجه به این که تخصص آموزشی، پژوهشی و دانشگاهی من تدوین بوده، نگاهم به مستند در این زاویه بیشتر متمرکز است، به همین علت مستند را از جنبه زیبایی‌شناسی و ابداعات تدوینی بسیار مستعد می‌دانم.

۲ همان طور که تدوین نوعی انتخاب از سوی فیلمساز است، گفتار متن راوی یا گوینده هم یک انتخاب است. همه مستندهایی که از راوی استفاده می‌کنند نباید از یک دیدگاه ارزشی برخوردار شوند. در مستندهای مردم‌شناسی اغلب از صدای راوی استفاده می‌شود و راوی (گوینده) اجازه ندارد خودش به تحلیل و تفسیر و اضافه کردن ذهنیت بر واقعیت اقدام کند. او فقط باید اطلاعات بدهد و هیچ دخالتی نباید بکند. استفاده از گفتار متن با توجه به این که در چه نوع مستندی استفاده می‌شود و به چه شکل به کار می‌رود و آن فیلم مستند چه اهدافی را دنبال می‌کند، متفاوت است. در فیلم‌های مستند خبری و آموزشی، گفتار قاعدتاً باید خالی از معنای مجازی یا سمبلیک باشد تا مانند یک آموزگار، صریح و بی‌دخول و تصرف به اطلاع‌رسانی بپردازد و مخاطب مجبور نباشد برای درک گفتار متن هم وقت صرف کند.

۳ فیلم‌های مستند واقعیت‌های جهان را به خیال ما می‌آورند، در حالی که فیلم‌های داستانی و غیرمستند فانتزی و تخیل را واقعیت جلوه می‌دهند که من شیوه اول را برتر می‌دانم، زیرا تماشاگر بر اساس واقعیات، برنامه یا فیلمی را می‌بیند که زبان ملموس و باورپذیر دارد و این فیلم با آرایه اسناد، مخاطب را مجاب می‌کند و در عین حال به جعل واقعیت نمی‌پردازد و سعی دارد به آن وفادار بماند. این جاست که مقوله اخلاق در مستند مطرح می‌شود، البته در کنار تصویر واقعیات، مستندساز از ابداع زیبایی‌شناسی و «خیال» هنری هم استفاده می‌کند، یعنی تبدیل واقعیت عینی به واقعیت ذهنی که در هنر به آن ایماژ می‌گویند، در واقع زیبایی‌شناسی به انعکاس و بازنمایی واقعیات در مستند و اثر بخشی آن کمک می‌کند و سعی دارد جذابیت بصری بیشتری برای مخاطب ایجاد کند.

نگاه اول



دکتر احمد ضابطی چهرمی کارشناس و مدیر سینما



استقبال از فیلم‌های اکران شده در روز چهارم جشنواره هم تداوم داشت. روز چهارشنبه البته باز هم امکان تماشای برخی آثار مستند برای علاقه‌مندان به وجود نیامد و باز هم بودند آپارات‌هایی که برای سالن‌های مملو از مخاطب روشن شدند. هنوز بازار استقبال از دهمین «سینما حقیقت» داغ داغ است و هنوز مهم‌ترین توصیه در گوشی در کاخ جشنواره این است: «اگه می‌خوای فیلم رو ببینی زود بیا!»

مهمانان ویژه

یکی از اتفاقات جالب در آمدوشد مهمانان سرشناس به جشنواره دهم علاقه آن‌ها به حضور در بخش «وی‌ای‌بی» است. بخشی که با خوش‌سلیقگی مدیران جشنواره در منتهی‌الیه طبقه ششم طراحی شده تا به صورت ویژه میزبان چهره‌ها و مهمانان خاص باشد. در چهارمین روز برپایی جشنواره سینما حقیقت چهره‌های سرشناسی به پردیس چارسود آمدند: سید رضا میرکریمی، ابوالحسن داودی و نرگس آبیاری از جمله حاضران در جشنواره سینما مستند بودند که حضورشان نشان از جایگاه ویژه مستند پیش فیلمسازان سینمای داستانی دارد. محمد علی ابیطی فعال سیاسی دیگر چهره ویژه این روز بود.

بازار گرم شد

از اتفاقات مهم چهارمین روز جشنواره، کلید خوردن «بازار فیلم» بود. آغاز رسمی یکی از مهم‌ترین بخش‌های جنبی جشنواره که به خصوص برای مستندسازانی که به دنبال عرضه جهانی آثارشان هستند، اهمیتی ویژه دارد. فضای حاکم بر بازار هم در روز چهارم چیزی از همین جنس بود و نمایندگان جشنواره‌های جهانی مستند با حضور در غرفه در نظر گرفته شده تلاش کردند شرایط حضور در این رویدادها را برای مستندسازان ایرانی تشریح کنند. مشروح اتفاقات بازار را در همین صفحه می‌توانید بخوانید.

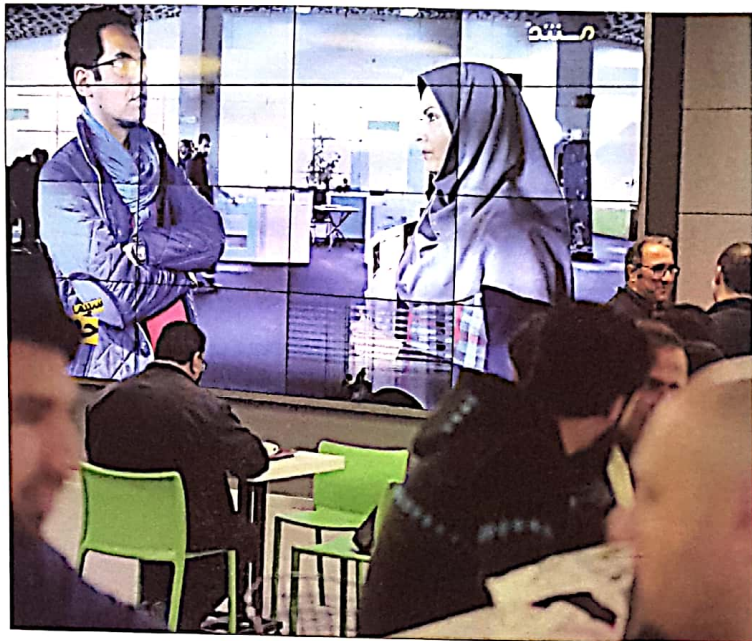
(سوئیس) به گفتگو با مستندسازان پرداختند. در ادامه «دانیل کیم» مدیر ارشد بازار فیلم بوسان (کره) و «ادووان سیربت» تهیه‌کننده و بخش‌کننده (جمهوری چک) درباره راه‌های گرفتن کمک هزینه، بینا کردن تهیه‌کننده و راه‌های ورود به جشنواره‌های مختلف به بحث و گفت‌وگو پرداختند. ادووان سیربت تهیه‌کننده اهل چک با بیان این مطلب که سیاست داشتن برای مذاکره می‌تواند راه را برای مستندسازان باز کند، از مستندسازان ایرانی شاهد مثال آورد. او تعریف کرد که ایرانی‌ها در اولین گام با شرکت در جشنواره‌های معتبر خارجی و گپ و گفت با تهیه‌کننده گان و سرمایه‌گذاران حاضر در آن جشنواره‌ها پروژه‌هایی که داشته‌اند را معرفی و آن‌ها را مشتاق به مشارکت در کار کرده‌اند: «محمد رضا فرزاد مستندساز ایرانی یکی از کسانی بود که در یکی از جشنواره‌ها با دست خالی و بدون اینکه طرح مشخصی داشته باشد و در زمان‌هایی که افراد مختلف با هم معاشرت می‌کردند توانست تنها با حرف زدن و طرح ایده‌ای که داشت سرمایه‌گذار جذب کند.» او در جواب یکی از مستندسازان حاضر در نشست که فیلم نیمه‌کاملی داشت هم گفت: «پروژه نیمه‌تمام می‌تواند دو جنبه داشته باشد یکی اینکه می‌تواند کار را برای شما راحت کند چون انقدر جذاب هست که تهیه‌کننده را راضی می‌کند شما را همراهی کند و از جهتی هم می‌تواند مانعی برای کار شما باشد چون خیلی از تهیه‌کننده‌ها و سرمایه‌گذاران با شنیدن موضوع پروژه شما هیجان زده می‌شوند اما با شنیدن اینکه این پروژه کامل شده و در آخر کار است احساس بدی به آنها دست می‌دهند چون برای آنها شرکت داشتن در مراحل کار بسیار مهم است.»



استارت بازار فیلم

گزارشی از نشست‌هایی که با هدف معرفی آثار ایرانی به نمایندگان جشنواره‌های بین‌المللی برگزار شد

دیگر اتفاق ویژه چهارمین روز جشنواره کلید خوردن بازار فیلم بود که با کامل تر شدن لیست مهمانان خارجی سه نشست با هدف معرفی آثار ایرانی به نمایندگان فستیوال‌های بین‌المللی برگزار شد. در نشست ابتدایی «تیکلاس کیلگارد انگستروم» برنامه‌ریز جشنواره مستند کپنهاگ (دانمارک) و «السا تاتاراجیک» از جشنواره بوسنی و هرزگوین و «جیوونا نازارو» مدیر هفته منتقدین جشنواره ونیز (ایتالیا) و نماینده جشنواره مستند ویزین دورتل



آینه‌های روبه‌رو

در میان شبکه‌های تلویزیونی طبیعتاً نخستین شبکه‌ای که می‌توان همزمان با جشنواره «سینماحقیقت» از آن یاد کرد، شبکه مستند است. شبکه‌ای که حالا و همزمان با برگزاری دهمین دوره جشنواره بخشی از کنداکتور روزانه خود را به پوشش این رویداد اختصاص داده است. برنامه گزارشی ۳۰ دقیقه‌ای است که هر روز ساعت ۲۰ روی آنتن شبکه می‌رود و بازپخش آن ظهر روز بعد است و مخاطبان مستنددوست از طریق آن می‌توانند در جریان فیلم‌ها و اتفاقات جشنواره سینماحقیقت قرار بگیرند. اما اتفاقی که باعث شد پخش این برنامه در روز چهارم برای مهمانان «سینماحقیقت» موضوعیت پیدا کند، پخش همزمان آن از ال‌سی‌دی‌های بزرگ تعبیه‌شده در طبقه پنجم چارسو بود. تماشای سینماحقیقت از دل سینماحقیقت لطف و ویژه تری داشت.

مسافران شب



تاکسی و مسافرانی که در طول روز از این وسیله نقلیه استفاده می‌کنند، همواره جزو سوزده‌های جذاب برای نویسندگان و فیلمسازان بوده است. ترکیب متنوع کاراکترها و کیفیت حضور در این وسیله نقلیه موقعیتی بکر برای روایتگری به دست می‌دهد که بهترین مدیوم برای بازنمایی این روایت، مستند است. شاید به همین دلیل هم مستند محمود رحمانی از فیلم‌های موفق جشنواره دهم شده و در روز چهارم توانست مخاطبان بسیاری را به سالن بکشد. استقبال از این مستند به اندازه‌ای بود که توانست سانس ویژه آخر شب چهارشنبه را به نام خود ثبت کند. رحمانی خود مستندش را این گونه معرفی می‌کند: «مسافران درباره آدم‌هایی است که سوار یک تاکسی می‌شوند و به سمت مقصد می‌روند و در این مکان محدود، به شکل بسیار عجیبی خودشان را بیان می‌کنند، یعنی این مسافران درونیات‌شان را در مقابل کسی که برای نخستین بار و احتمالاً آخرین بار در زندگی‌شان می‌بینند، بروز می‌دهند.» در نیمه دوم جشنواره حتماً رقابت برای کسب امتیاز آکران ویژه میان فیلم‌های مستند بر مخاطب، دشوار تر خواهد شد.

اتفاق روز

شلوغ اما آرام

برای آن‌ها که خاطره حضور جشنواره‌ای‌شان محدود به ازدحام و بی‌نظمی است با دیدن طمانینه حاکم بر صف‌های جشنواره سینماحقیقت به وجد می‌آیند. مخاطبان سینمای مستند اما گویی با حوصله‌تر هستند. یکی از منظره‌های دوست‌داشتنی و تحسین‌برانگیز در جشنواره سینماحقیقت مربوط به صف‌های فشرده، طولانی اما آرامی می‌شود که دقایقی پیش از شروع هر سانس در برابر سالن‌های نمایش پردیس چارسو شکل می‌گیرد. این تجربه حتی برای فیلم‌هایی که به دلیل تراکم جمعیت نتوانستند میزبان همه مخاطبان خود باشند هم تکرار شده و این یعنی حسن متفاوت استقبال و گرمی یک جشنواره بدون فشار روحی و جسمی؛ در میان مستندهای به نمایش درآمده در نیمه نخست دهمین «سینماحقیقت» بیشترین مخاطب را فیلم‌های به نمایش درآمده در روز سوم داشت، ولی تجربه صف‌های شلوغ اما آرام در تمام این روزها تکرار شد و امیدواریم تا پایان جشنواره هم مکرر تکرار شود. این نظم و مساعدت از سوی مخاطبان آن هم برای سانس‌های آکران رایگان و بدون بلیت‌فروشی واقعا یک اتفاق مبارک است و می‌تواند سرمشق جشنواره‌های دیگر باشد.

تماشا فیلم اسکاری



صبح روز چهارشنبه بود که سایت‌های خبری و خبرگزاری‌ها خبر انتشار فهرست ۱۵ فیلم راه یافته به مرحله بعدی داوری آکادمی اسکار برای معرفی بهترین مستند سال را منتشر کردند. فهرستی که طبیعتاً هر سال مستنددوستان بسیاری آن را دنبال می‌کنند تا در جریان برترین تولیدات هر سال قرار بگیرند. فهرستی که دیروز منتشر شد، یک نام ویژه برای مهمانان «سینماحقیقت» در خود داشت؛ مستند «آتش زیر دریا» ساخته جان فرانکو روزی که اتفاقاً در بخش مرور سینمای ایتالیا در جشنواره دهم سینماحقیقت در جدول آکران قرار گرفته بود. انتشار همین خبر کافی بود تا مخاطبان حرفه‌ای‌تر دست به جدول شوند و دنبال سانس‌های نمایش این فیلم که حالا یکی از ۱۵ مدعی دریافت اسکار بهترین مستند سال است، بگردند. همان دیشب و در سانس ساعت ۲۱:۳۰ در سالن شماره سه، این فرصت برای بسیاری از این علاقه‌مندان به دست آمد. امروز پنج‌شنبه ساعت ۱۰ دومین نوبت نمایش فیلم در جشنواره است.

خبر روز

چهره‌ها



منوچهر طبیب
ایران‌گردی

از معتبرترین چهره‌های جشنواره‌امسال استاد منوچهر طبیب است که روایتی دیدنی از سفر دو جهان‌گرد به ایران را در «از مغرب تا مشرق» ثبت کرده و امروز می‌توانید ساعت ۲۰:۲۰ به تماشای آن بنشینید.



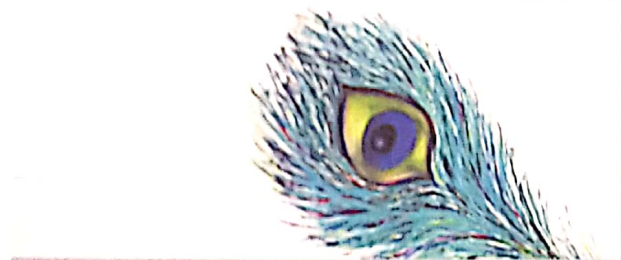
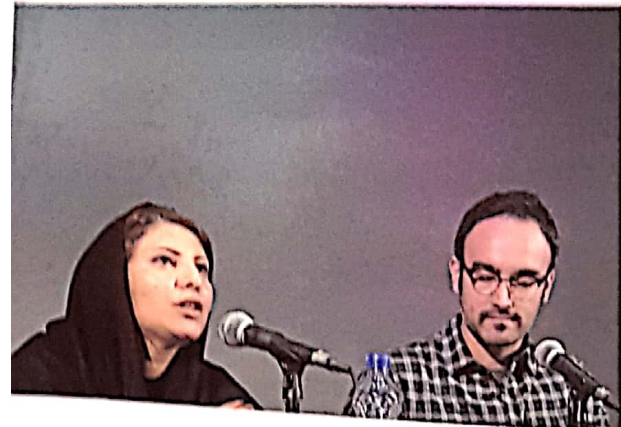
قوام السلطنه
آقای نخست‌وزیر

امروز در سانس ساعت ۱۸ سالن شماره ۳ روایت محمدرضاهاشمیان از دوران چهارم نخست‌وزیری احمد قوام السلطنه در قالب فیلم «رئیس‌الوزار» روی پرده می‌رود.



منوچهر عسگری‌نسب
روایت‌استاد

از مستندسازان پیشگام و با سابقه کرمانی که با دو مستند در جشنواره حاضر است، منوچهر عسگری‌نسب است که امروز ساعت ۱۴:۳۰ در دو فیلمش در سالن شماره ۲ روی پرده می‌رود.



سیاست، شعار، تاریخ

در سومین نشست «شب‌های نقد» در جشنواره سینما حقیقت فیلم‌های نیمه پنهان ماه، معدن هند و دیپلماسی شکست‌ناپذیر آقای نادری مورد نقد و بررسی قرار گرفتند

نیمه پنهان ماه

■ موضوع مستند: روایت نقش زنان در انقلاب مشروطه
 ■ کارگردان: آزاده بی‌زار گیتی

■ بی‌زار گیتی:

فکر می‌کنم اگر فیلم و ایده آن دغدغه مخاطب باشد، حتما می‌تواند به تماشای آن بنشیند و نباید نگران لورفتن داستان فیلم مستند باشیم. درباره «نیمه پنهان ماه» همان‌طور که از نام فیلم برمی‌آید یک بازخوانی از حضور زنان در جنبش مشروطه تا اوایل پهلوی است. در حوزه زنان هر چه در پژوهش پیش می‌رفت و در مجلات می‌گشتم با خلا بیشتر و روبرو می‌شدم. غیر از این که دغدغه خودم به عنوان یک زن هم حضور زنان در صحنه بود، اما احساس می‌کردم بخشی از تاریخ ایران به واسطه این خلا فراموش شده است. خوب است که مردان تاریخ به صورت جدی و پررنگ مورد بازخوانی قرار گرفته‌اند، اما زنان کجای این تاریخ بوده‌اند؟ این دغدغه اصلی من برای ورود به این سوزنه و ساخت این مستند بود.

■ بنده بسیار تلاش کردم با وجود نگاه فمینیستی موجود در

سوزنه فیلم، به برداشت‌های غلط از فمینیست نزدیک نشوم، به همین جهت تلاش کردم این مرز را رعایت کنم که بسیار هم سخت بود. سعی کردم در تحقیقاتم به مردانی برسیم که نگاهی هراسناک به نگاه فیلم داشته باشند، چرا که ترجیح می‌دادم بیشتر تأثیر گذار باشم تا این که صرفاً شعار بدهم.

■ با توجه به تجربیاتی که داشتم می‌دیدم حتی

مستندبین‌های حرفه‌ای آن چه موضوع اصلی فیلم است را در طول فیلم گم می‌کنند، به همین دلیل تلاش کردم این پرسش محوری را در میر تکرار کنم و این تکرار کاملاً حساب شده بود. می‌خواستم از یاد مخاطب نرود که چقدر مواد اولیه‌ای که در دست داشتم، ساده و مختصر بود.

زمانی که شما می‌خواهید درباره بزرگ‌مردان جنبش مشروطه پیش بروید، با آلبوم‌ها و آرشیوهای کاملاً شفاف مواجه‌اید، اما درباره زنان اصلاً این گونه نیست. شاید ایده اولیه این فیلم ۱۸ سال پیش در ذهنم کلید خورد و وقتی می‌خواستم مقاله‌ای درباره مدرسه زنان در دوره مشروطه بنویسم با این خلا عجیب مواجه شدم. خیلی‌ها می‌خواستند منصرف کنند و می‌گفتند مگر سندی درباره حضور زنان وجود دارد. خوشحالم که امروز این مستند ساخته شده و می‌توانیم بگوییم زنان هم در این مقطع تاریخی نقش داشته‌اند. احساس می‌کنم دینم را به عنوان یک شهروند ایرانی به تاریخ کشورم ادا کرده‌ام.

معدن هند

■ موضوع مستند: زندگی سخت کارگران معدن در هند
 ■ کارگردان: فلیکس روین

■ روین:

ایده اولیه این فیلم دو سال پیش در سفری که به هند داشتم، در ذهن من شکل گرفت. برای پروژه کوچکی به این کشور سفر کردم و خیلی اتفاقی با کارگردان دیگر این فیلم که هندی بود، آشنا شدم. او متخمس ساخت فیلم‌های ارزان قیمت بود. بعد از سفر اول ایده ساخت یک مستند در هند را در ذهنم پرورش دادم. منطبق‌های کسب فیلم در آن ساخته شده، منطبق‌های ممنوعه بود و برای هر نوبت وارد شدن باید از راه‌های مخفی می‌رفتیم، به این معنا پشت دوربین هم داستانی کار آگاهی داشتم.

■ داستان این مستند درباره کارگران یک معدن

زغال‌سنگ در هند است که بزرگ‌ترین معدن آسیا محسوب می‌شود. ابتدا می‌خواستیم قهرمانان بیشتری در این روایت داشته باشیم، اما برای فیلم بخش‌های مختلفی را در نظر گرفتیم که بخشی از آن بارگیری زغال‌سنگ است و بخش دیگر به کودکانی می‌پردازد که می‌خواهند از باقی‌مانده بارها درآمدی داشته باشند. مستندسازی درباره کل این فرآیند غیر قانونی بود و بعد از چهار ماه که کارمان تمام شد، متوجه شدیم ما یک فیلم مستند هم ساختایم!

■ این نخستین تجربه فیلمسازی ما بود. یک فیلمساز

انترنشنال هم بخش من برای فضای بصری فیلم بود. زمانی که می‌خواهید فیلم مشاهده‌گر بسازید، سخت نیست که کمی صبور باشید تا نامهای بهتر را پیدا کنید. در روزهای خاصی در این معدن شرایط گردوغبارها، فضایی اخراج‌زمانی به وجود می‌آورد و همین شرایط بود که در تصاویر ما بسیار تأثیر می‌گذاشت.

■ موضوع و دغدغه اصلی من برای این فیلم، بچه‌ها نبودند!

کار و مشقت فیزیکی فعالیت بود که میلیون‌ها نفر در هند در این شرایط هستند و می‌بینیم جهانی شدن و شیوه‌های زندگی کار نیروی انسانی در هند به همان شکل سنتی همچنان ادامه دارد. انگیزه اصلی من برای ساخت این فیلم در گذشت این مستندساز انترنشنال بود که روی این موضوع کار می‌کرد و احساس کردم بعد از او دیگر کسی به این سوزنه نخواهد پرداخت. همین انگیزه‌ای شد تا سراغ این سوزنه بروم و این فیلم را به پایان برسانم. فیلمی که برای ساختش متحمل زحمت‌های بسیاری شدم.

■ ایده اولیه این مستند پژوهشی - تاریخی به سال‌ها پیش و

زمانی برمی‌گردد که هنگام پرسه زدن لایه لای اسناد مشروطیت و تاریخ مشروطه ایران، با خلا چشمگیری روبرو شدم. مورخان مشروطه اغلب بر تلاش‌ها و حماسه‌ها و دستاوردهای قهرمانانی چون سناتور خان و باقر خان و ملک المتکلمین و میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل و... متمرکز شده بودند و خوشبختانه همواره آن‌ها را تکریم و از این افراد یاد می‌کردند، با این همه برای من انگار چیزی در این میانه از قلم افتاده بود. گویا جان فشانی‌های میهن پرستانه و بی‌دریغ زنان در فرافز و فرودهای مهم جنبش مشروطیت - به عنوان یکی از مهم‌ترین جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران - از حافظه تاریخی مورخان پاک و فراموش شده بود.

■ هاشم‌زاده:

فیلم مستندی تاریخی و با پیرنگی مشخص درباره حضور زنان است. دو دیدگاه در فیلم وجود دارد، یکی آزادی‌خواهی زنان است و دوم این که تاریخ یک روایت مردانه است و فیلم می‌خواهد دست به نقد این روایت مردانه بزند. این همان نکته‌ای است که فمینیست‌های جنبش اول هم دست روی آن گذاشته بودند و در فیلم شاهد تأکید بر آن هستیم. شروع این فیلم یکی از آغازهای خیره‌کننده از در این دست آثار است و این سوال را مطرح می‌کند که زنان در تاریخ معاصر ایران چه نقشی داشته‌اند. تیزتر از فوق‌العاده فیلم هم این فضا را شکل می‌دهد. اما آن چه فیلم را از ریتیم درست خود دور می‌کند، تأکید بیش از اندازه مولف بر نقش زنان است، گویی مستندساز با تکرار درون‌مایه خود، مخاطب را تا حدودی خسته می‌کند. پرسش محوری فیلم برای ما به عنوان مخاطب مستتر و درونی شده و نیازی به تکرار آن نیست. با این همه، فیلم مساله اساسی‌ای را مطرح می‌کند و جای کار بیشتر دارد.

■ فیلم بر اساس اسناد موجود ساخته شده و طبیعتاً وابسته به

آرشیو است. هر ایده، ظرفیتی برای تبدیل شدن به یک اثر کوتاه، نیمه‌بلند یا بلند دارد. این ظرفیت است که به ما می‌گوید ظرفیت اولیه باید به کدام مدیوم تبدیل شود. فکر می‌کنم یکی از نکاتی که در این فیلم در نظر گرفته نشده نسبت زمان فیلم با اسناد موجود است. با این نگاه، فیلم می‌توانست کمی کوتاه‌تر باشد تا تکرارها از آن حذف شود. علاوه بر تکرار واژگانی، تکرار تصاویر را هم داریم و فکر می‌کنم این تکرارها، ناخواسته همین کمبود اسناد را به مخاطب القا می‌کند.

Politics, Slogan, History

On the 3rd "Criticism Night" (Q&A Session) of Cinema Verite Festival, three films were reviewed and criticized. The film critic of third night was Saeed Hashempour and the host like all night was Moham-madreza Moghaddasian. First Film was Mine of India, which its subject was difficult life of labors of a mine in India, directed by Felix Robin. He said; "The primary idea of the film brought out two years ago in a trip to India. I travelled for a small project to India and accidentally I met another director of the film who is Indian. His specialty was making low-budget films. After that trip, I developed the idea in my mind." Second film was Undeatable Diplomacy of Mr. Naderi directed by Behdash San'aeeha and Maryam Moghaddam which was a different narrative about a man who had some ideas about relationship with USA. The Third film was Half Hidden of the Moon, about role of women in Mashroufeh Revolutionary directed by Azadeh Bizar Giti.

- مجری کارشناس شب سوم: محمدرضا مقدسیان
- منتقد شب سوم: سعید هاشم پور

دیپلماسی شکست ناپذیر آقای نادری

- موضوع مستند: زندگی یک مرد متفاوت
- کارگردان: بهتاش صناعی ها / مریم مقدم

هاشم زاده:

در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که واقعیت و امر واقعی با واسطه‌های بسیار به دست ما می‌رسد و احساس می‌کنم در فیلم‌های امسال این واسطه حذف شده و به صورت عریان و بی‌واسطه با واقعیت مواجه می‌شویم که این نکته بسیار مهمی است. این بی‌واسطگی سبب شده در مورد امر سیاسی موجود در جامعه هم بتوانیم عریان تر صحبت کنیم. این انفاق نیاز به جسارت داشت که فیلمسازان ما نشان دادند این جسارت را دارند.

صناعی‌ها:

فیلمی که پر مخاطب‌ترین فیلم جشنواره در نیمه نخست بود، اما از جلسه نقد استقبال خوبی نشده است.

دارد که در مواجهه با آن کنترلی روی خود نداشتیم تا از خودبهرسیم آیا حاضریم آن را بسازیم یا نه چرا که آنقدر واضح بود آقای نادری سوزنه مناسبی برای یک مستند است که در همان زمان آشنایی تصمیم گرفتیم این مستند را بسازیم. در مقطعی می‌خواستیم فیلم داستانی بسازیم که مواجه شدن با این سوزنه باعث شدن آن را کنار بگذاریم و سراغ این سوزنه برویم.

این که در آینده چه مسیری خواهیم داشت، اصلا برای ما قابل پیش بینی نیست. همان طور که نمی‌دانستیم امکان دارد این فیلم مستند را بسازیم، امروز هم نمی‌دانیم در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. فعلا برنامه‌های برای فیلم مستند نداریم و مشغول یک کار داستانی هستیم، اما فیلم مستند هیجان خاصی دارد.

مقدم:

برای هر فیلمسازی، داستانی جذاب می‌شود و می‌خواهد آن را برای دیگران هم تعریف کند. به هر حال روایت مستند و داستانی تفاوت‌هایی با هم دارند، اما انتخاب آن بستگی به شرایط دارد. برای ما این موضوع جذاب پیش آمد و این گونه نبود که از قبل برای ما مشخص باشد می‌خواهیم فضا و ژانر متفاوتی نسبت به تجربه داستانی‌ای که داشتیم را انتخاب کنیم. در اصل سوزنه است که به ما می‌گوید چگونه باید آن را روایت کنیم. به شخصه به دلیل علاقه‌ام به فیلم و نوشتن، سعی می‌کنم همه این زمینه‌ها را در کنار بازیگری که رشته اصلی خودم است، تجربه کنم.



کتابی که زود منتشر شد

آیین رونمایی از کتاب «بازاندیشی در سینمای مستند» در روز چهارم جشنواره بر گزار شد

امید صبوری

omidsabori88@mail.com

■ عنوان کتاب: بازاندیشی در سینمای مستند / نویسندگان: توماس آستین، ویلما دی جونگ
 ■ حاضران: محمد حسین تمجیدی (مترجم) / علیرضا قاسم خان (معاون پژوهشی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی) / دکتر غلامرضا آذری (کارشناس)

تمجیدی:

خوشحالم که جناب آقای قاسم خان در مرکز گسترش این شانس را به بنده دادند تا بتوانم بار دیگر به عرصه ترجمه که حرفه اصلی بنده نیز است، وارد شوم. این تشکر هم صرفا به دلیل سپردن کار به بنده نیست، بلکه به این علت است که امروز کار بزرگی در بخش پژوهش‌ها در حوزه مستند در حال رقم خوردن است که این اتفاق بسیار مهمی است.

زمانی که بای این قرارداد رفته، فکر نمی‌کردم روزی رونمایی و نقدی برای آن برگزار شود! اما الان بسیار خوشحالم جناب آقای دکتر آذری نگاه بسیار با دقت به کتاب داشته و سرسری کتاب نرفته‌اند. تخصص اصلی من سینما و تلویزیون است و از سر علاقه به انگلیسی است که گاهی وارد عرصه ترجمه هم می‌شوم و بابت این ورود عذرخواهی می‌کنم!

یکی از مقالات کتاب به مقوله‌ای می‌پردازد که مهم‌ترین حلقه مفقوده سینمای مستند در ایران است و آن مخاطب پژوهی است. این مقاله بسیار ارزشمند و مهم است و امیدوارم به همت مرکز گسترش چنین تحقیق و پژوهشی درباره سینمای مستند ایران هم صورت بگیرد تا بیشتر با سلیقه و نظر مخاطبان در این حوزه آشنا شویم.

قاسم خان:

طی چهار سال گذشته در مرکز گسترش جریانی شکل گرفته تا نسبت سینمای مستند و دانش روز جهان را پیگیری کند. گاهی اوقات ما کتابی را منتشر می‌کنیم تا تنها کتابی را منتشر کرده باشیم و این نه در مورد من و نه در مورد همکاران نویسنده این کتاب‌ها. هرگز به این صورت نبوده است. ما می‌دانیم چه کاری می‌خواهیم انجام بدهیم. چهار سال پیش وعده داده بودیم که ۱۶ کتاب منتشر می‌کنیم و تا امروز ۱۴ کتاب رونمایی شده و با دو کتابی که طی دو روز آینده رونمایی می‌شود، ما به وعده خود عمل کرده‌ایم.

کتاب بازاندیشی در سینمای مستند؛ وقتی می‌خواستیم کتابی را برای ترجمه انتخاب کنیم از فیلترهای مختلف عبور کردیم تا ببینیم سینمای ما در امروز و آینده به چه محتوایی نیاز دارد. شاید در جایی اشتباه هم کرده باشیم، اما تلاش داریم فضای تازه‌ای برای فکر کردن در سینمای مستند ایجاد کنیم.

یکی از همکاران و پرستار ما بر اساس متن کتاب می‌گفت این کتاب ۱۰ سال زود دارد منتشر می‌شود و بعید است تا ۱۰ سال دیگر دیده شود. امیدوارم این تلاش با همه مشکلاتی که برای ما دارد، به سرانجام برسد و آماده‌ایم هر نقد و نظری را هم پیرامون این کتاب‌ها بخوانیم و بشنویم.

دکتر آذری:

ما کمیته‌های تخصصی برای انتخاب و ترجمه کتاب در ایران نداریم؛ با یک نفر بر اساس انتخاب شخصی و دلی دست به ترجمه می‌زنند یا زمینه‌های قبلی دارد. در ایران سینما خوشبختانه شرایط خوبی دارد، اما در زمینه کتاب‌های تخصصی سینما هنوز نتوانستیم تقسیم‌بندی و ورود درستی داشته باشیم. این شرایط در کار منتقدان سینمای ما هم تاثیر گذاشته و وقتی به منتقدی می‌گوییم نقد تو از چه نوعی است، می‌گوید من فقط می‌نویسم و این تقسیم‌بندی‌های تئوری را شما درست کرده‌اید!

ریدرها کتاب‌هایی هستند که بیشتر نظرورزی می‌کنند و این یعنی با نظرها و ورزش و بازی می‌کنند و وارد حیطه خود نظریه‌ها نمی‌شوند. اغلب بخش‌های این کتاب از دریچه شناخت مفهومی سینمای مستند آغاز می‌شود و به نظر می‌رسد کل کار حاصل یک پروژه مشخص و تعریف شده است. در این میان دو، سه مقاله خاص هست که بسیار به کار مستندسازان می‌آید؛ مقاله «فیلمسازی و سوزنه‌هاشان»، «فیلمسازی و شبه‌مستند» و «مستندهای آنلاین».



نیازهای تازه، کارگاه‌های تازه

علیرضا قاسم‌خان، معاون پژوهشی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی از فعالیت‌های این مرکز و کارگاه‌های آموزشی جشنواره دهم می‌گوید

لیلا علیپور

lepasoma@gmail.com

هر ساله در کنار جشنواره سینما حقیقت کارگاه‌های آموزشی با حضور مدرسان داخلی و خارجی برگزار می‌شود که مورد استقبال فعالان عرصه مستند قرار می‌گیرد. امسال نیز در هفتمین جشنواره سینما حقیقت این کارگاه‌ها با حضور سه مدرس خارجی برگزار می‌شوند. علیرضا قاسم‌خان، معاون پژوهشی مرکز برارایه مطالب درسی جدید و منطبق با نیازهای روز جوانان مستندساز تاکید دارد. «استقبال از این کارگاه‌ها را خوب ارزیابی می‌کنم و معتقد است این مواد درسی بیش از آن که آموزش صرف باشند، درس‌گفتارهایی برای بخش آکادمیک سینمای مستند محسوب می‌شوند. از سوی دیگر مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی هر ساله اقدام به انتشار کتاب‌های تخصصی در زمینه مستند می‌کند که به گفته قاسم‌خان تا سال ۹۶ و طی چهار سال تعداد این کتاب‌ها به ۱۶ عدد می‌رسد. امسال نیز چهار کتاب عرضه خواهد شد.

■ برگزاری کارگاه‌های آموزشی به یکی از بخش‌های پرطرفدار جشنواره سینما حقیقت تبدیل شده است. دلیل این استقبال را چه می‌دانید؟

علت این که جوانان و فیلمسازان به دنبال شرکت در کارگاه‌های آموزشی جشنواره حقیقت هستند، به دلیل رویکرد ما در چند سال گذشته است؛ رویکردی که در آن به سینمای مستند از منظر کاری تحقیقاتی و آکادمیک باین مایه‌های فرهنگی و تطبیق با فرهنگ خودی نگاه می‌شود. دورهای را می‌توانیم تصور کنیم که کارگاه پژوهشی و تحقیقاتی در جشنواره برگزار شده است و برای آن از استادهایی دعوت شده و آن‌ها هم الحق حق مطلب را به جا آورده‌اند اما توجهی خاص طی چهار سال گذشته نسبت به کارگاه‌های علمی و آموزشی که به این عرصه می‌گذارند- دارد. برنامه‌های تازه‌تری را ارائه کنیم. فکر می‌کنم اگر استقبالی وجود دارد، بیشتر به دلیل همین رویکرد است که در جشنواره لحاظ شده است.

■ امسال جشنواره میزبان ۴۴ مهمان خارجی است. از این میان چند نفر آن‌ها به عنوان مدرس انتخاب شده‌اند؟

سه نفر از آن‌ها تدریس خواهند کرد که البته این سه نفر ضمن این که در کارگاه‌های ما شرکت می‌کنند برنامه‌های دیگری هم دارند. مثلا ممکن است در بخش بین‌الملل داور باشند یا آمدند دربار بهار از برای فیلم مستند و نحوه معرفی فیلم مستند و کارهای دیگری که شبکه مستند را با انجام می‌دهد، سخنرانی کنند.

■ برای انتخاب مدرس کارگاه‌ها معمولا چه نکاتی را در نظر دارید؟ از این جهت که تنوع در نگاه مدرس‌ها باشد.

نخستین نکته‌ای که در نظر می‌گیریم، نوع موضوع مدنظر ما برای طرح در جشنواره است. مثلا درباره هابریدی که یکی از انواع سینمای مستند است که به تازگی در معرض توجه بیشتر مستندان قرار گرفته است در روند کار ما، هم به استناد پیشنهاد می‌دهیم و هم پیشنهاد آن‌ها را می‌گیریم. گاهی اوقات استناد مطلب و نظرات تازه‌تری دارند گاهی اوقات هم ما با توجه به انطباق و رویکردهای یک‌ساله گذشته که جمع‌بندی کردیم این کارگاه‌ها را طراحی و برنامه‌ریزی می‌کنیم. این نیست که ما بدون ارزیابی و توجه به بنیة علمی، کاری و انجام دهیم. در تمام طول سال برای جشنواره حقیقت

برنامه‌ریزی می‌کنیم. این برنامه‌ریزی‌ها در مدت جشنواره دیده می‌شود. روش ما رایبه پیشنهاد و گرفتن پیشنهاد برای بررسی و برنامه‌ریزی کارگاه است. قدر مسلم تجربه فیلمسازی، دانشگاهی و علمی مهم‌ترین ویژگی‌ها در انتخاب مدرس کارگاه‌ها هستند. با این رویکرد، تنوع نیز در آموزش‌ها مشهود است. در کنار این که سعی کردیم مطالب مان نو و تازه باشد، بعضی از مطالب ما خواهان بیشتری دارد، مثلا کارگاه‌های آیدی‌ام که معرفی فیلم به کمپانی‌هاست بیشتر مورد توجه مستندان است و از این طریق بازارهای جدیدی را پیدا می‌کنند یا آموزش می‌بینند که چگونه ایده خود را با کمپانی‌ها و کسانی که در دیگر نقاط جهان کار می‌کنند، در میان بگذارند. از این موارد چون استقبال بیشتری شده، ما آن را تداوم بخشیدیم اما در مورد بخش‌های دیگر سعی کردیم مطالب تکراری نباشد و در عین حال از استادن فیلمسازان و پژوهشگران ارزنده ایرانی و خارجی در این کارگاه‌ها بهره ببریم. باید به این نکته توجه می‌کنیم خارجی‌هایی که به این کارگاه‌ها می‌آیند و مهمان ما هستند، بعد از مدت‌ها بررسی به دلیل سوابق علمی و نوع تجربه‌ای که دارند، دعوت می‌شوند، ولی بعضی وقت‌ها اتفاق می‌افتد که سفر آن‌ها هالو شود که دلائلش می‌تواند هم شخصی باشد و هم دلایل علمی و آکادمیک داشته باشد. ما معمولا از سه ماه قبل استادن را دعوت می‌کنیم ممکن است به دلیل مسایل شخصی و خانوادگی گاهی اوقات برنامه‌ریزی‌های ما را جابه‌جا کنند که این در همه برنامه‌های زنده در جشنواره اتفاق می‌افتد.

■ از میان مدرسان ایرانی، افراد حاضر در سینمای مستند چقدر از حضور در این کارگاه‌ها و تدریس در آن استقبال می‌کنند؟
طی چند سالی که من در این زمینه مسئولیت داشتم و از قبل مدرسان ایرانی با توجه به دانشی که دارند، همیشه استقبال کرده‌اند، اما این که با برنامه‌ریزی‌های ما هماهنگ باشند، یک مقدار کار را متفاوت می‌کند. دوستی که در دانشگاه‌های ایران تدریس می‌کنند، به خاطر زمان‌بندی ممکن است نتوانند در کارگاه‌های ما شرکت کنند، اما همیشه تدریس استادن ایرانی در کارگاه‌ها مورد استقبال ما بوده است از طرف دیگر، ما همیشه نظرات آن‌ها را به عنوان پیشنهاد و کادر علمی مورد توجه قرار داده‌ایم.

■ شما به جنبه پژوهشی کارگاه‌ها اشاره کردید. مبانی تکنیکی هم در این کارگاه‌ها آموزش داده می‌شود؟
ما تلاش کردیم با توجه به زمان کوتاهی که در جشنواره در اختیار داریم، هم موارد تکنیکی را هم از تصویب‌های و تدوین مدنظر قرار دهیم و هم درباره مسایل نظری گفتگو کنیم. نکته‌ای که وجود دارد این است که این کارگاه‌ها بیش از آن که نتیجه عملی دهد، درس‌گفتار هستند و این درس‌گفتارها از نظر ما خیلی ارزش دارد اقدام دیگری که ما از چند سال پیش انجام دادیم این است که همه این کارگاه‌ها را ضبط و بعد از آماده‌سازی به عنوان درس‌گفتار از طریق مالتی‌مدیا منتشر می‌کنیم.

- کارگاه‌ها بیشتر
- از آن‌که تا بچه
- عده دهد.
- درس‌گفتار
- مسئله و این
- درس‌گفتارها
- نظرات ما دیده ارزش
- دارد. همه این
- کارگاه‌ها را دنیا
- می‌کند و بعد
- از آن‌ها
- بخوان
- درس‌گفتار
- طریق مالتی‌مدیا
- منتشر می‌کند

- دوستانی که در
- دانشگاه‌های
- ایران تدریس
- می‌کنند به خاطر
- زمان بلد می‌کنند
- است نتوانند در
- کارگاه‌های ما
- شرکت کنند اما
- همیشه تدریس
- استادن ایرانی در
- کارگاه‌ها مورد
- استقبال ما بوده
- است

مستند صادق ترین گونه سینما است

دیدار با محمدعلی بهمنی، شاعر و ترانه‌سرای
خوش قریحه، با او درباره علاقه‌مندی‌اش
به سینما حقیقت، نسبت شعر و مستند و چند موضوع
دیگر گفت و گو کرده‌ایم

ساراشمیرانی
Sara.shemirani66@gmail.com

محمدعلی بهمنی را بیشتر با غزل‌هایش می‌شناسند یا غزل‌های عاشقانه‌ای که تعریف درستی از معشوق و دوست داشتن نشان می‌دهد. هر چند خودش معتقد است ایندگان باید درباره درستی تصویرهایش در شعر قضاوت کنند. بهمنی علاوه بر شعر و ادبیات به دیگر حوزه‌های فرهنگ هم علاقه‌مند است. او با ترانه به دنیای موسیقی هم ورود پیدا کرده و از علاقه‌مندان این حوزه است. سینمای مستند را راستگو می‌داند و فیلم‌های این حوزه را دنبال می‌کند و بارها از سینمای داستانی ایران و جهان در شعرهایش الهام گرفته است. با چنین پیشینه‌ای که از استاد محمدعلی بهمنی می‌شناسیم با او تماس گرفتیم، طرح موضوع کردیم و در نخستین فرصت هم کلام شدیم. با او درباره سینمای مستند و نزدیکی‌اش با شعر حرف زدیم. آن جایی که شعر، جای سینما را در قرون گذشته می‌گیرد و شاعر در مقام یک مستندساز بازگو کننده واقعیت‌های روز جامعه می‌شود. بحث کم‌کم به «سینما» می‌رسد. او که سال ۹۳ مستندی براساس زندگی‌اش ساخته شده عقیده دارد سانسور و محدودیت، آفت بزرگی است که گریبان فیلمسازان را می‌گیرد و می‌گوید این اتفاق در مورد فیلم‌های مستند به حداقل می‌رسد. چه بسا همین اعتقاد شاعر زمانه ما باعث شده «مستند» را صادق‌ترین نوع سینما بداند و با اشتیاق به تماشای فیلم‌های مستند بنشیند. این هم بخش جذاب دیگری از گفت و گو است که دانستیم جناب بهمنی آرزو دارد تا یک روز مستند عمران صلاحی، دوست دوران نوجوانی‌هایش ساخته شود. کسی که بیشتر از هر چیزی انسانیت و نگاه منتقدانه‌اش به زندگی، او را از دیگران متمایز می‌کرد و شعرهایش واقعیت‌درونی‌اش را نشان می‌داد. شرح دیدار ما با استاد محمدعلی بهمنی را در صفحات بعدی بخوانید:

مشروح مصاحبه در صفحات ۸ و ۹



Interview

No.5. Thu, 8th Dec. 2016

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

7

New Needs, New Workshops

Alireza Ghassemkhan, research deputy of DEFC talked about activities of this center also workshops of 10th Iran International Documentary Film Festival Cinema Verite. Every year there are educational workshops with presence of national and international masters and teachers during holding Cinema Verite Film Festival which are mostly welcomed by documentarists and those who are interested in documentary cinema. In this edition of the festival, these workshops are being held with presence of three international masters. Alireza Ghassemkhan, the research deputy of DEFC emphasized new courses which must be adapted with today needs and asks of young documentarists. He evaluates well the welcome of audience from workshops and he believes that these courses' materials are useful for academic section of documentary cinema rather than they just be some educational lessons.

چرا که اگر استادی از یک کشور دور آمده و درسی را ارائه داده، ممکن است خیلی از علاقه‌مندان دیگری باشند که نتوانسته‌اند در کارگاه‌ها شرکت کنند. ما این‌ها را آماده می‌کنیم و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهیم. کما این که ما برای همه دفاتر انجمن سینمایی جوان این مواد آموزشی را می‌فرستیم تا بتوانند در شهرستان‌های مختلف از آن استفاده کنند. برای جشنواره‌های مختلف و دانشجویها هم این محصولات آموزشی را ارائه کرده‌ایم.

هیچ ارزیابی از نتیجه برگزاری کارگاه‌ها و میزان دریافت هنر جوها صورت می‌گیرد؟

ارزیابی ما دو گونه است. یک ارزیابی علمی داریم برای رسیدن به این نکته که استادی که دعوت کرده‌ایم چگونه درس مورد نظر را ارائه داده است و از طرف دیگر، یک ارزیابی محتوایی هم داریم به این ترتیب که از دانشجویان سوال می‌کنیم این کارگاه چقدر مفید بوده و استاد تا چه حد توانسته مفاهیم را منتقل و با استفاده از نمایش فیلم و دیگر مالتی مدیاها به درک و فهم این موضوع کمک کند. این ارزیابی همیشه وجود داشته است و در سال‌های آینده هم وجود خواهد داشت.

کسانی که در کارگاه‌ها شرکت می‌کنند، از میان ثبت‌نام کنندگان انتخاب می‌شوند؟

اسمال و همچنین سال‌های پیش ما محدودیتی در زمینه جا داریم. شاید در کشور ما و در جشنواره‌های دیگر رسم نیست که ثبت‌نام کنند و در کلاس را باز می‌گذارند و هر کس می‌خواهد به کلاس می‌رود، اما من تصورم بر این است که برای داشتن یک کارگاه مفید و آموزش درست، مجموعه علمی باید دارای نظم و ترتیب باشد حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ و گاهی ۲۰۰ نفر متقاضی شرکت در این کارگاه‌ها را داریم. از میان همه این دوستان فقط می‌توانیم به ۱۰۰ نفر پاسخ دهیم. از این جهت معیارهایی را که در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی برای شرکت در این کارگاه‌ها در نظر گرفته شده این است که نزدیک‌ترین افرادی که با سینمای مستند کار می‌کنند اعم از دانشجویان سینما و مستندسازی که کار می‌کنند و آموزش آنها لازم است، آموزش سینما علاقه‌مندان از رشته‌های دیگر هم داریم. قاعده‌اش این است که آن‌ها در درجه دوم قرار بگیرند، اما هیچ تمایزی به معنای این که چه کسانی بیایند یا نیایند، در دستور کار ما نیست. مساله ما فقط نداشتن جا و در عین حال رو بگرد به افرادی است که کارشان مستقیماً با سینمای مستند است.

چه کتاب‌هایی امسال همزمان با جشنواره به چاپ می‌رسند یا ارائه می‌شوند؟

اسمال مادر جشنواره مطابق هر سال چهار کتاب را معرفی می‌کنیم و سال دیگر هم این کار را خواهیم کرد. ما در طول سال هم کتاب‌هایی را منتشر کرده‌ایم. نشانه‌شناسی در سینمای دفاع مقدس، کتاب مربوط به کارگاه‌های سینمای انیمیشن و کتاب مجموعه مقالات سینمای انیمیشن.

و نکته‌ای اگر ناگفته مانده است، بفرمایید.

آموزش چیزی نیست که مختص جشنواره باشد. ما از فرصت کنار هم قرار گرفتن مستندسازان استفاده می‌کنیم تا برخی از مفاهیم فرهنگی و هنری در حوزه سینمای مستند را با هم در میان بگذاریم. گفت و گو و در میان گذاشتن مفاهیم در شکل و قالب این کارگاه‌های آموزشی صورت می‌گیرد. امیدوارم کارگاه‌هایی که در جهت گسترش سینمای مستند است، بیشتر برگزار شود و در طول سال هم بتوانیم این کارگاه‌ها را در برنامه‌های مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی بش از پیش قرار دهیم که این امر اتفاق خواهد افتاد. ما در طول اسمال دو کارگاه برگزار کردیم و سال آینده هم چند کارگاه قبل از جشنواره سینما حقیقت برگزار خواهد شد.

Like A Honest Person

Meeting Mohammad Ali Bahmani, the talented poet and talking with him about cinema, poetry and the relationship between documentary and poem also some other things was so pleasant. Many people know Mohammad Ali Bahmani with his verses, in fact, in a better world with his romance verses which present true definition of beloved and loving. However, he also is interested in other branches of culture. He believes that documentary cinema is a honest one and he follows films of this field. He said that many time he inspired from works of Iranian Cinema also world cinema in his poetries. When we talk with him about documentary cinema and its closeness to poetry, he told us that poetry in long times ago had the same role like documentary cinema today because poet was the re-teller of realities and events of the society. However, in every each age, documentary cinema is the window to the realities of society.



در ادوار مختلف تاریخ، شعر تصویر نسیمتا درستی از اوضاع و احوال زمانه شاعر به ما می دهد. در واقع وقتی ما شعرهای حافظ یا مولانا را می خوانیم تا حدودی متوجه می شویم که در آن دوران چه وضعیتی حاکم بوده است. از این منظر شعر به سینمای مستند نزدیک است و می توان این دورا با هم قیاس کرد، چرا که یکی از رسالت های سینمای مستند نشان دادن واقعیتها در ادوار مختلف است. شما تا چه اندازه این موضوع را تأیید می کنید و به نزدیکی سینمای مستند و شعر معتقد هستید؟

موضوعی که مطرح شد را قبول دارم، چرا که شعرها برگرفته از شرایط بیرونی ما هستند. از طرف دیگر، هنر در هر شکل بازگوکننده شرایط تاریخی خود است که گاهی در قالب تصویر و گاهی در قالب کلمات خودشان را نشان می دهند. اما فکر می کنم باید چند تبصره به این بحثی که گفته شد، اضافه شود. مثلاً این که در هر روزگاری و در هر قری تنها چند شاعر هستند که می توان از روی شعرهای شان به حال و هوای روزگارشان دست یافت. در واقع همه شاعران با شعرهای شان جزو آثار مستندند که بتواند، به آن استناد کرد، بنسبتند. مثلاً شما از شعرهای

زیاد داریم یا با شروع جنگ تحمیلی شاعران یکباره به سمت این موضوع می روند و دربارها آن شعر می گویند. در حال حاضر فکر می کنید کدام موضوع وجود دارد که شاعران را به سمت خود بکشاند و اصلاً در آینده چه موضوعاتی می تواند دغدغه شاعر باشد؟

این اتساق خیلی قابل پیش بینی نیست. چنانچه وقتی امروزه یک جشنواره یا محفرت شعر جنگ برگزار می شود، بسیاری از جوانان دهه ۷۰ که جنگ را لمس نکردند هم در آن شرکت می کنند و شعر می سرایند. خوب طبیعی است که این شعرها مستند نیستند و صرفاً برای جایزه گرفتن سروده شده اند. شما کافی است این شعرها را با اشعار قصیر امین پور مقایسه کنید تا متوجه شوید چه می گویم. برای همین است که استناد کردن به شعرها، به خصوص امروزه کار سخت تری شده است. در هر دوره ای اقتضائات زمانه باعث می شود تا موضوعی در جامعه پررنگ باشد، اما این مردم و جامعه هستند که شاعر را پیش می برند و از طرفی قضاوت را آیندگان انجام می دهند. در مورد این که چه شعرهایی با چه موضوعاتی در آینده بتوانند قابل استناد باشند هم، زمان تعیین کننده است. تا به حال شده بر اساس یک فیلم، چه مستند

مهم ترین دلیل این است که کارگردان با نویسنده با شخصیتی که درباره آن فیلم می سازد، زیست واقعی نداشته است. آن ها فقط بر اساس کتابهایی که خواندند فیلم را می سازند و همین باعث می شود زوایای پنهان زندگی فرد مشخص نشود. مثلاً همین سریال شهریار که به آن اشاره کردید، من هم موافق بودم که شخصیت شهریار به خرسی به تصویر کشیده نشده است. هر چند من فقط چهار بار استاد شهریار را دیده بودم، اما در همین چهار جلسه هم متوجه شدم که تصویر درستی از ایه نشده، ضمن این که روی سریال ها و فیلم های سینمایی بیشتر نظارت می شود و همین ممکن است محتوای آن ها را دچار سانسور کند. اتفاقی که در فیلم های مستند کمتر رخ می دهد. مربوط به همین سانسور است. در واقع شهامت در فیلم های مستند بیشتر است و من وقتی افراد حذف نمی شوند، البته باید به این نکته هم توجه کرد که فیلم شهریار، فیلم مضری نبود، بلکه باعث شد خیلی ها که تنها اسم شهریار را شنیده بودند، کنجکاو شوند و شعرهایش را بخوانند. در واقع می خواهم بگویم ساخت اثر در مورد شخصیت ها چه به صورت داستانی و چه مستند، اتفاق خوبی است که باعث می شود اطلاعات مردم در مورد آن افراد بیشتر شود.

«روای هفت سالگی» البته تنها مستندی نبود که از زندگی من ساخته شد. پیش از این هم دو فیلم مستند دیگر ساخته شده بود که هر کدام به دلایلی بخش نشد، اما «روای هفت سالگی» - که اتفاقاً من اسم آن را هم خیلی دوست دارم - تنها مستندی بود که به دقت به زندگی من پرداخت و روایتی واقعاً برای آن زحمت کشید. این فیلم از یک جهت دیگر هم برای سازنده آن سخت بود، چرا که باید تلاش می کرد تا با فیلم های مستند قبلی متفاوت باشد و زاویه نگاه جدیدی داشته باشد.

علت بخش نشدن مستندهای قبلی چه بود؟

یکی از مستندها که به شدت نقض داشت و چون در فواصل زمانی طولانی مدت ساخته شده بود، باعث شد نتوانم خودم با آن ارتباط برقرار کنم. در واقع احساس کردم فیلم، خود واقعی من نیست و از فیلم های مستند دور است. مستند دوم هم به دلایلی مجوز نگرفت و هیچ وقت به مرحله بخش نرسید.

شما در «روای هفت سالگی» تا چه اندازه اجازه دادید تا مستندساز به همه زوایای زندگی شما ورود کند؟

واقعیت این بود که من هیچ محدودیتی قابل نشدم. من

- همیشه افسوس
- من خرم که چرا
- تا وقتن عمران
- صلواتی زنده بود
- کس مستندی
- درباره زندگی اش
- تسافت، کافن
- بود تنها یک روز
- کامل را با عمران
- بگذرانید تا
- متموه شیدا
- چه انسان و پرمای
- بود در این
- سنان ها همه که از
- دنیا رفتن، کس
- کاره پرمای درباره
- زندگی اش انعام
- داده است

■ نام فیلم: بازبان خاموش
 ■ کارگردان: منوچهر مشیری
 ■ مدت زمان: ۲۶ دقیقه
 ■ درباره فیلم: بازبان خاموش پرتره‌ای از بدرالزمان قریب، استاد زبان‌های باستانی دانشگاه تهران است که فرهنگ لغات سعدی (از زبان‌های باستانی و خاموش) را نوشت. در این فیلم علاوه بر بیان اطلاعات تخصصی از جمله چگونگی خوانش کتیبه‌های باستانی، به زندگی شخصی و فضای ذهنی این هنرمند توجه می‌شود.



دیدار با استاد قریب

روایت منوچهر مشیری
از فیلم «بازبان خاموش»

۱ من در شیوه فیلمسازی بیشتر به ساخت پرتره درباره شخصیت‌های فرهنگی، ادبی و هنری گرایش دارم و کار «بازبان خاموش» هم به پرتره‌ای از خانم دکتر بدرالزمان قریب استاد زبان‌های باستانی دانشگاه تهران اختصاص دارد. سال ۷۶ فیلمی از ایشان برای صداوسیما ساختم و ارتباط ما ادامه داشت تا پس از ۱۸ سال در سال ۹۴ که شرایط زندگی ایشان بسیار متفاوت شده بود. فیلم دوم را درباره زندگی‌شان ساختم. ایشان از شخصیت‌های شاخص فرهنگی و علمی و از نوادگان شمس‌العلمای قریب هستند. خانواده‌ای که بسیاری از آن‌ها را شخصیت‌های مهم علمی مانند دکتر محمد قریب تشکیل می‌دهند و در بخشی از مستند، ایشان را می‌بینیم که در فشم در حال صحبت و نشان دادن عکس‌های خانوادگی‌شان هستند.

۲ بخشی از فیلم هم در تخت جمشید فیلمبرداری شده، چون خانم قریب نخستین ایرانی هستند که یکی از کتیبه‌های تازه کشف‌شده به زبان خاموش را بازخوانی کردند. تا آن زمان رسم بر این بود که باستان‌شناسان خارجی کتیبه‌ها را می‌خواندند اما خانم قریب موفق به خواندن کتیبه شد و این کتیبه هم‌اکنون در تخت جمشید نگهداری می‌شود. البته ناگفته نماند که جنبه کارشناسی فیلم بر جذابیت‌های آن سنگینی نمی‌کند و در اکران‌های محدودی که فیلم تا به حال داشته موفق شده با مخاطبان ارتباط برقرار کند.

۳ هیچ قسمتی از این مستند بازسازی نشده و دوربین به زندگی دکتر قریب ناظر بوده، بدون آن که خط داستانی به مستند تحمیل شود. در واقع ما شاهد زندگی ایشان بودیم. در تصاویری می‌بینیم که او گاه با خود شعری زمزمه می‌کند و گاه از زندگی‌اش می‌گوید. بنظر من بکارگیری این شیوه برای روایت فیلم باعث می‌شود مخاطب ارتباط بهتری با اثر برقرار کند.

درباره فیلم

■ نام فیلم: مسافران
 ■ کارگردان: محمود رحمانی
 ■ تهیه‌کننده:
 محمود رحمانی، کایون شهبازی
 ■ زمان: ۷۸ دقیقه
 ■ درباره فیلم: قصه این فیلم درباره آدم‌هایی است که سوار یک تاکسی می‌شوند و در مواجهه به راننده هر حرفی که دل‌شان خواهد را می‌زنند. همه آدم‌ها نقاب‌هایی در جامعه دارند.



درباره کارگردان

■ نام کارگردان: محمود رحمانی
 ■ مهم‌ترین آثار:
 نفت سفید، مدار صفر درجه (تولید شده در مرز ایران و عراق)، مُلف گند، مادرم بلوط
 ■ مهم‌ترین جوایز:
 جایزه روبرو تورولینی ایتالیا برای نفت سفید، جایزه بهترین مستند از جشن خانه سینما برای نفت سفید...

چالش آدم‌ها در پراید

محمود رحمانی در فیلم «مسافران»، در قالب راننده تاکسی فرورفته و با کسانی که سوار ماشین می‌شوند، صحبت می‌کند؛ دوربین و صدا هم به شکلی خاص جاسازی شده تا حرف‌هایی رو توش باشد

محمد رضا کاظمی

rezakazemi.press@gmail.com

در طول سال‌های اخیر فیلم‌های زیادی در یک لوکیشن ثابت و کوچک مثل یک ماشین ساخته شده‌اند. اما این حرکت در زمینه مستند در ایران خیلی سابقه زیادی ندارد، حالا یکی از جدیدترین مستند‌های این سبک به جشنواره اسمال راه یافته است. مستند «مسافران» که کارگردانی آن بر عهده یکی از چهره‌های مطرح دنیای مستند و فیلم کوتاه یعنی محمود رحمانی است. هنرمندی که پنج‌سال برای این مستند وقت گذاشت و بعد از دشواری‌های فراوان توانست این پروژه ویژه را به اتمام برساند. با این کارگردان درباره این مستند ویژه و شرایط عجیب و غریب آن گپ و گفتی داشتیم.

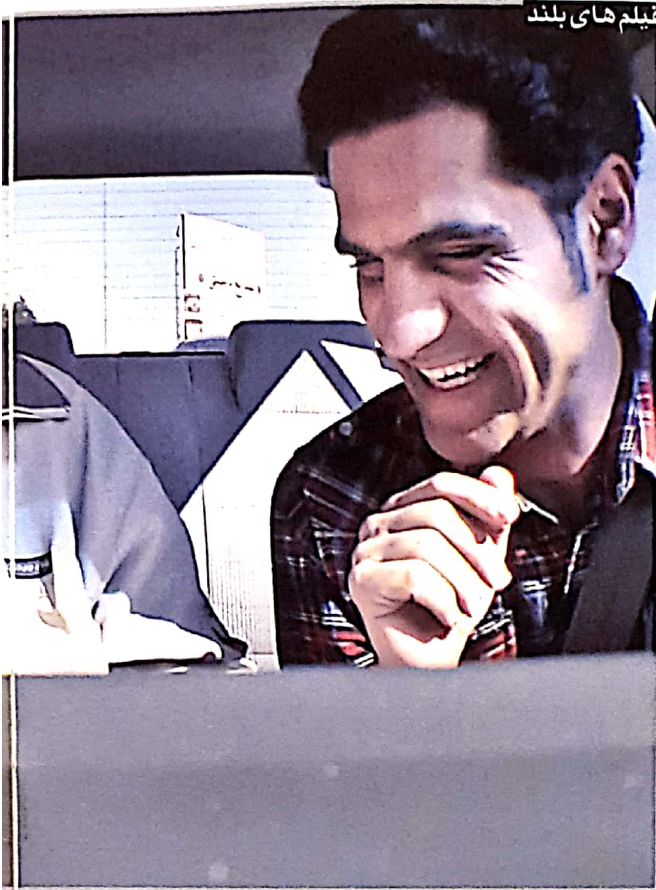
■ موضوع مستند «مسافران» درباره چیست؟

«مسافران» درباره آدم‌هایی است که سوار یک تاکسی می‌شوند و به سمت مقصد می‌روند و در این مکان محدود، به شکل بسیار عجیبی خودشان را بیان می‌کنند. یعنی این مسافران درون‌تشان را در مقابل کسی که برای نخستین بار و احتمالاً آخرین بار در زندگی‌شان می‌بینند، بروز می‌دهند. حتی مسافران دیگری هم که در این ساختار محدود مکانی حضور دارند، به احتمال قریب به یقین دیگر یکدیگر را نخواهند دید، به همین دلیل همه داستان بی‌بیم‌ها، امیدها و آرزوهای خودشان را بیان می‌کنند. به عبارت دیگر مستند «مسافران» به آدم‌هایی می‌پردازد که در طول مسیری سوار بر یک تاکسی می‌شوند و در تایم کوتاه ۱۵-۱۰ دقیقه‌ای مسیرشان بدون این که متوجه دوربین باشند، حرف‌هایی که می‌خواهند را با راننده می‌زنند. نشان نقاب باعث می‌شود شما به عمق آدم‌ها نزدیک شوید، در حالی که فقط مدت کوتاهی با آن‌ها هستید.

■ این ایده چطور به ذهن تان رسید؟

چند سالی بود که تصمیم داشتم فیلمی تک‌لوکیشن در یک تاکسی بسازم، چون این مکان خیلی برای من جالب بوده و مستندی هم تا به حال در این رابطه در ایران ندیدم. البته ما یک مشکل بزرگ هم داشتیم، به این خاطر که یک نمونه عالی از فیلم‌های داخل ماشین وجود دارد و آن فیلم «ده» استاد کیارستمی بود. من خیلی سعی کردم «مسافران» به هیچ شکلی زیر سایه آن فیلم نباشد. اگر چه همیشه افتخار می‌کردم شبیه

فیلم‌های بلند



ایشان باشم، اما استاد کیارستمی دوست داشت، حتی کسانی که پیرو سینمایش هستند، شبیه به خودشان باشند، به این خاطر من این فرم خاص را برای مستند انتخاب کردم.
 ■ چه شد که تصمیم گرفتید خودتان راننده باشید؟
 در این فیلم تمام تلاش من این بود که شکل گفت‌وگوهای مرسوم در فیلم‌های مستند را به ساختار دیگر تغییر دهم، یعنی کارگردان مثل همه فیلم‌ها از پشت دوربین کار را ببیند و موازی با مصاحبه‌شونده قرار بگیرد. در این فیلم مهم‌ترین مسأله برای من این بود که عنصری را حذف کنم که همواره تصمیم می‌گرفت کات کند، کجا با پرسش‌هایش جهت را عوض کند و در چه شرایطی با اشاره و عدم‌استماع مناسب به مصاحبه‌شونده مسیر گفت‌وگو را به سمتی که دوست دارد تغییر دهد.

■ برای فیلمبرداری در این پروژه از چه شیوه‌ای استفاده کردید تا مسافران متوجه دوربین نشوند؟

در این مستند بزرگ‌ترین تجربه برای من حذف فیلمبرداری لنزی را طراحی کردم و ساختم که برای همه شخصیت‌های فیلم و کارگردانی که در حال رانندگی کردن است، یک‌جور باشد. این کادر از ابتدا مشخص و فیکس نیست و براساس چرخش ماشین به چپ و راست، این دوربینی که روی داشبورد قرار دارد، حرکت و خودش انتخاب می‌کند چه کسی را نشان دهد. راننده یا کسی که کنارش نشسته یا گفت‌وگوهای لایه‌ای از صدای عقب یا شاید هم اصلاً بیرون را فیلمبرداری کند، در حالی که ما



People's Challenge in Pride

Mahmoud Rahmani in "Passengers" has acted as a taxi driver and has spoken with passengers who get into his car. The camera and sound devices are embed in a hidden way to have unedited words. However, Mahmoud Rahmani had made one of the most difficult films of this edition of Cinema-Verite Film Festival. He is one of the most famous documentarists in Iran who spent his last five years to make this documentary. Finally, he finished the project. "Passengers" is about people who get in a taxi and go for their destinations. They express themselves strangely in this limited place. It means that they show their inside and secrets to someone maybe meet him for the first and last time in their life. Even other passengers won't meet each other, so they freely express all of their fears, hopes, and desires. Having no mask, caused that you can close to them while you are just a short time with them."

Mahmoud Rahmani

■ نام فیلم: ایرانیان مرتد
 ■ کارگردان: محمد عبدالعزیز
 ■ دربارۀ فیلم: «ایرانیان مرتد» روایت گرفتن منظمه نهای در کشور عراق به دست رزمندگان جبهه مقاومت و اسارت یکی از فرماندهان داعش است که در کشتار ۱۷۰۰ نفر از شیعیان در فاجعه اسپاهر حکم اعدام را اجرایی کرد.



تنفر داعشی

روایت عبدالعزیز از موضوع «ایرانیان مرتد»

در یکی از عملیات‌های ارتش عراق یکی از فرماندهان داعش دستگیر شد. این فرد مجری قتل ۹۰ نفر در عملیاتی از داعش بود که ۱۷۰۰ نفر از شیعیان قتل عام شده بودند. تفکرات این فرد و البته داعش نسبت به ایرانیان را در قالب مصاحبه‌ای در «ایرانیان مرتد» مطرح می‌نماید که نام فیلم هم از همین تفکرات داعش نسبت به ایرانیان نشأت گرفته است. با تماشای این مستند برای مخاطبان قابل درک‌تر خواهد بود که چرا باید ایرانیان به عنوان مدافع حرم در جنگ میان عراق و داعش حضور داشته باشند. بحث امنیت ملی ایران موضوع دیگری است که در این جنگ اهمیت دارد. سال ۹۳ آغاز شد و اوایل سال ۹۴ به پایان رسید. پیش از شروع ساخت این فیلم من به همراه عرفان طالبی به عنوان تهیه‌کننده مطالعاتی درباره تفکر تکفیری‌ها داشتیم و من پیرامون شکل‌گیری تفکر وهابیت تحقیقاتی کرده بودم، اما تصور نمی‌کردیم با یکی از رهبران داعش روبرو شویم. این اتفاق به راحتی رخ نداد و در طول روند تولید موفق به جلب رضایت ارتش عراق و مصاحبه با این فرد شدیم. در مستندهای بحران بسیاری از اوقات شما هر اندازه به سناریو فکر کنید، بخش عظیمی از روند تولید قابل پیش‌بینی نیست و ممکن است اتفاقی بر کل فیلمنامه و روند تولید اثر گذار باشد. مهم‌ترین چیزی که ما برای مصاحبه با رهبر داعش به آن نیاز داشتیم، مترجمی بود که خودش را به جای افسر اطلاعات عراق جا بزند تا آن فرد با صداقت بیشتری به پرسش‌های ما درباره ایرانیان پاسخ دهد. با حضور مصطفی مشهدانی که اهل موصل است به عنوان مترجم موفق شدیم اعتماد او را جلب کرده و نظرات او را درباره مردم ایران مقابل دوربین ثبت کنیم. البته برای ساخت «ایرانیان مرتد» از هیچ حمایتی برخوردار نبودیم و به دلیل اهمیت سوژه به دنبال ساخت آن رفتیم. افکار عمومی باید باخبر شوند که داعش چه تصویری درباره ایران دارد. درباره این گروه تکفیری در چند سال اخیر فیلم مستند زیاد ساخته شده است اما «ایرانیان مرتد» از زاویه‌ای جدید به داعش می‌پردازد و از منظر نگاه یکی از فرماندهان ارشدشان نوع نگرشان به ایرانیان را تحلیل و بررسی شده است. امیدوارم فیلم اثری که باید بگذارد.

جایزه شهید آوینی

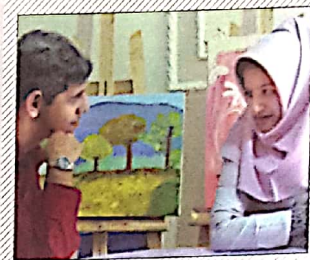
صدای آدم‌های درون ماشین را می‌شنویم. به نظر می‌رسد در آوردن این فرم به شدت کار سنگینی باشد. این طور نیست؟
 خب، برای رسیدن به این فرم مشکلات زیادی داشتم. مثلا ما امکان استفاده از دوربین‌های فیلمبرداری معمول را نداشتیم و اصلا این مدل دوربین‌ها مثل 5D یا Gopro که (اصلا دوست‌شان نداشتیم) به کار ما نمی‌آمدند. اگر آن دوربین‌ها را انتخاب می‌کردم، شبیه همه فیلم‌هایی می‌شد که در جهان توی ماشین ساخته شده است. من می‌خواستم دوربینی را انتخاب کنم که هم آن حرکتی که می‌خواستم را داشته باشد و هم آنقدر بزرگ نباشد که کسی که سوار تاکسی می‌شود، حس کند الان جلوی دوربین حرفه‌ای نشسته و در حال مصاحبه است.
 خب، پس از چه دوربینی استفاده کردید؟
 ما بعد از این که پنج دوربین و کلی لنز عوض کردیم، به دوربین ششم رسیدیم. دوربینی که خودم آن را طراحی کردم و ساختم. مدتی بود که من به خیابان جمهوری می‌رفتم و دایما عدسی‌های مختلف می‌خریدم. با چند نفر از اساتید فیلمبرداری دیجیتال ایران هم که صحبت می‌کردم، می‌گفتند چنین چیزی امکان‌پذیر نیست و باید از دوربین‌های معمولی استفاده کنم. من در طول این چند سال دنبال امتحان کردن لنزهای مختلف بودم تا این که یکبار لنزی از شرکت سونی خریدم و موفق شدم با ترکیب چند لنز ماکرو، واید، یک لنز نرمال و چند آداپتور به این لنز دست پیدا کنم.
 بزرگ‌ترین مشکل تان برای ساخت این مستند همین دوربین بود؟
 خیر، مشکل دوربین را که حل کردیم، تازه به چالش دوم رسیدیم و آن این بود که باید با صدا چه کار کرد، عنصر صدا در این فیلم مهم‌تر از تصویر است. به این دلیل که بعضی وقت‌ها آدم‌هایی که تصویرشان دیده نمی‌شود، صدایشان هست. یکسال هم این مقوله صدا وقت‌ها ما را گرفت. مشورت‌های اولیه این بود که ما از فیلمبرداری استفاده کنیم و ماشین روی یک کفی با ارتفاع پایین باشد و با بوم صداها را ضبط کنیم. این پیشنهاد حرفه‌ای خوبی برای فیلم داستانی است، اما برای مستند یک کار مضحک است، هیچ مسافری سوار

ماشینی نمی‌شود که خودش مسافر یک وسیله دیگر باشد!
 برای این مشکل چه کردید؟
 پیشنهاد اول این بود که صدابردار به عنوان یک مسافر در پشت‌سر راننده بنشیند. این راه بدی نبود، ولی ما دنبال راه بهتری می‌گشتیم، چون بعضی آدم‌ها فقط در صورت تنه‌بند کردن حرف می‌زدند. گزینه بعدی استفاده از صدایی بود که دوربین ضبط می‌کند، اما این روش هم عملی نبود و صدا به هیچ وجه کیفیت نداشت. پیشنهاد بعدی را بهشاد مطیعی، صدابردار یکی از فیلم‌های قبلی من «مدار صفر درجه» داد که پیشنهادی جسورانه بود.
 چه پیشنهادی؟
 او گفت در تمام طول مدت فیلمبرداری در صندوق عقب ماشین بروم. این کار خطرناکی بود و بار اول که گفت شوکه شدم. بهشاد هیکل درستی دارد و صندوق عقب پر از تجهیزات است. او پیشنهاد داد تمام سقف ماشین را بر از میکروفن کنیم و برای هر مسافر دو لاین صدا گرفت. کل سقف را برداشتیم و تقریبا ۸، ۹ لاین صدا درون ماشین سیم‌کشی کردیم. بهشاد ۲۵ روز تمام داخل صندوق عقب کار صدابردار انجام می‌داد.
 نگران نشدید برای صدابردار تان اتفاقی بیفتد؟
 راستش چرا، ما حتی به بیمه هم مراجعه کردیم که کار را بیمه کنیم، اما زمانی که واقعتا به آن‌ها گفتیم، حاضر نشدند کار را بیمه کنند، برای این که این مورد هیچ تعریفی در قانون نداشت. ما در این شرایط مستاصل بودیم که خود بهشاد خواست کار را شروع کنیم و این یکی از بخش‌های مهم کل کار بود.
 پس برای صدا داخل ماشین را هم دستکاری کردید؟
 بله، این براید ماشین شخصی خودم بود که البته بعد از این فیلم دیگر قابل استفاده نبود، به این دلیل که ما داخل آن را درآوردیم و صدایی‌ها را بردیم، چون من فکر کنم در ایران آدم قدبلندی محسوب می‌شوم، صدای من را از پایین قطع کردند و فقط روی یک تکه ابری نشسته بودم، به این خاطر که اگر آدمی کوتاه‌قدتر از من کنار من ننشست، به لحاظ روانی من روی آن تسلط نداشته باشم.

مدود ۶ ماهه که
 با این ماشین
 رانندگی
 می‌کردم،
 از نوه‌ایم
 آسپید دیدم.
 وقتی به دکتر
 مراجعه کردم و
 سنم را پرسید،
 خیلی متعجب
 شد و گفت انگار
 تو به اندازه یک
 آدم ۵۰ ساله
 از نوه‌یت
 استفاده کردی

پنج سال برای
 این فیلم صبر
 کردم و باز
 خواستم آن
 را رها کنم ولی
 نتوانستم. این
 کار باعث شد
 به همکاران
 توصیه کنم
 سراغ ایده‌هایی
 که از تکنولوژی
 زمانه جلوتر
 است، نروند

■ نام فیلم: انجمن آرزوها
 ■ کارگردان: گل اندام صفری
 ■ درباره فیلم: «انجمن آرزوها» در مورد دختر و پسر است که از معلولیت ذهنی رنج می‌برند. این دو در انجمن حمایت از معلولان ذهنی تمام ساعت‌های روز را با هم می‌گذرانند و دلنسته یکدیگر می‌شوند. تصمیم از دواج آن‌ها شوک بزرگی برای خانواده و انجمن است که باعث ایجاد موانع برای رسیدن این دو به یکدیگر می‌شود.



عشق
دو فرشته

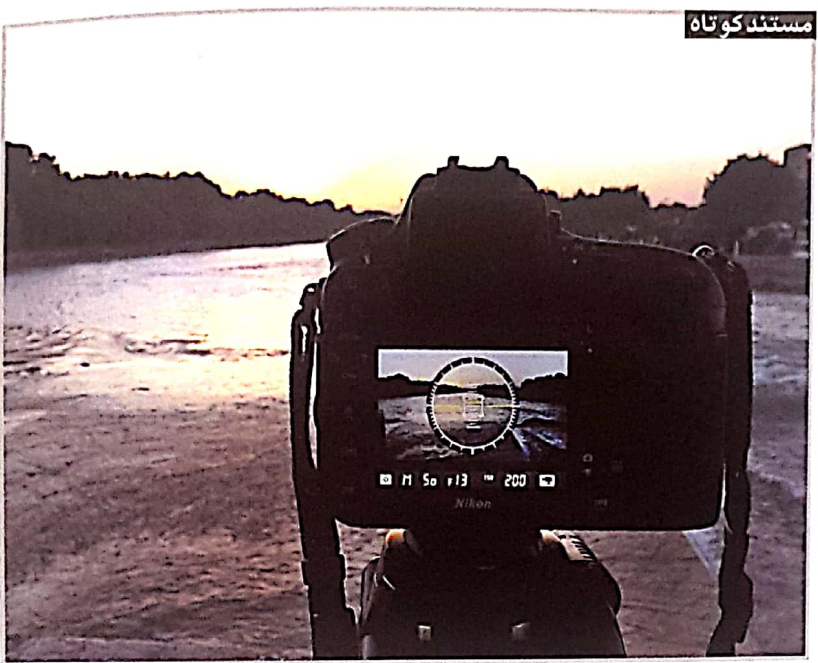
روایت گل اندام صفری از ساخت مستند کوتاه «انجمن آرزوها»

1 به سفارش انجمن حمایت از معلولان ذهنی برای تهیه یک فیلم مستند کوتاه گزارشی به این مرکز رفتم. آنجا زمانی که در حال گفتگو با رییس انجمن بودم، خیلی اتفاقی متوجه یک دختر و پسر شدم که انگار به یکدیگر علاقه‌مند بودند. طی پیگیری‌هایی که کردم، ترغیب شدم درباره زندگی آن‌ها فیلم بسازم. سخت‌ترین بخش کار ارتباط برقرار کردن با آن‌ها بود. به‌رحال این بچه‌ها از نظر ذهنی نرمال نبودند و تا توجیح شوند که می‌خواهم چه کاری انجام دهیم، زمان زیادی طول کشید. اما از طرفی یک حسن بزرگ داشتند، خیلی ساده و صادقانه صحبت می‌کردند و راحت‌تر از انسان‌های معمولی توانستند حضور دوربین و عوامل پشت صحنه را فراموش کنند و خود واقعی‌شان را بروز دهند.

2 قبول دارم که قصه، داستان جدیدی نیست، اما بیشتر ما این موضوع را در فیلم‌های سینمایی و داستانی دیدهایم. «انجمن آرزوها» یک مستند واقعی است. شخصیت‌های فیلم به‌خصوص پسر عاشق‌پیشه، کاراکتر جذابی دارد. رابطه بین دختر و پسر، نوع حرف‌زدن‌شان با یکدیگر و انتظاراتی که از هم دارند، در دنیای واقعی و از قاب یک مستند خیلی متفاوت‌تر است. قصد من این بود که درباره این موضوع نگاه تحلیلی‌تری داشته باشم. اصل تلاش بر مبنای این گذاشته شد که چرا اصلاً برای ازدواج این بچه‌ها موانع وجود دارد.

3 خانواده‌های آن‌ها ترس از آبرو داشتند، حساسیت‌های انجمن بی‌تاثیر نبود و همه این موانع و حساسیت‌ها نگذاشت من کارم را ادامه دهم و با نگاه تحلیلی‌تری موضوع را بررسی کنم. شاید بیشتر بتوان گفت این فیلم درباره علل عدم ازدواج دو معلول ذهنی نیست، بلکه بر شیبی از زندگی این دو نفر و علاقه‌مند شدن آن‌ها به یکدیگر است. همه هدف من آشنا کردن دوباره هموطنانم با کسانی است که کم‌توان ذهنی هستند اما حق حیات دارند و دنیای‌شان باک پاک است.

مستند کوتاه



حیات که روبه زوال است

بهروز ملبوس باف، فیلمساز است که تمام حیات زادگاهش را وابسته به زاینده رود می‌داند. او در «بدرود زاینده رود» سراغ خواهر و برادری رفته که در آخرین روستای حاشیه زاینده رود به تنهایی زندگی می‌کنند

سوسن سیرجانی
soosansirjani@yahoo.com

خشک شدن زاینده رود مانند انسانی است که نخاعش را از ستون فقراتش کشیده باشند. در این میان به جای انداختن تقصیر به گردن همدیگر باید فکری اساسی کرد و در شیوه زندگی خود ساکنان حاشیه این رودخانه تغییری آتی به وجود آورد تا حیاتی دوباره به آن برگردد. ملبوس باف در ۱۶ سال کار سینما همیشه سعی کرده حرف دل و مردم حاشیه این رودخانه را براندازد و ندغه‌هایش و ساخت «بدرود زاینده رود» برای مان گفته است.

■ فکر می‌کنید تا چه حد به گفتن حرف دل مردم ساکن حاشیه زاینده رود کمک کرده‌اید؟
 من فکر می‌کنم بخش بزرگ قصه زاینده رود این است که ما خودمان این بلا را به سرش آورده‌ایم و در بیشتر فیلم‌هایی که تا الان ساخته شده، بیشتر دنبال مقصر می‌گردند و هر منطقه‌ای به گردن منطقه دیگری می‌اندازد. فیلم سعی بر این دارد که زندگی مردم منطقه را به درستی نشان بدهد. چون در اصفهان اول به دلیل شعرهای «شهر گنبدی‌های فیروزه‌ای» و «شهر زیبای خدا» و دوم به دلیل همین محدودیت‌هایی که زاینده رود پیش آورده، باعث شده هیچ‌موقع ما حیات اجتماعی خودمان را درست نبینیم.

Dying Life
 Behrouz Malbousbaaf is a filmmaker who believes that whole of his hometown's life is dependent on Zayanderud. In "Farewell Zayanderud" he went for a sister and brother who live alone in the last village by the river. Drying up of Zayanderud is as same as a man whose spinal cord was removed from his spine. We should think deeply of this situation and bring about some changes instead of shifting the blame onto each other. Maybe then, the life returns to it. In the last 16 years, Malbousbaaf has tried to reflect the words of the river and the people who live by the river in his cinema. He found his main character around 10 years ago when he was making another film about Zayanderud, and when he back to them the sister was passed away. The first version was 40 minutes but it was shortened after.

■ این خواهر و برادر و آخرین آبادی‌ای که از زاینده رود تغذیه می‌کنند، چطور سوژه شما برای یک فیلم مستند شد؟
 نسخه اولیه فیلم ۴۰ دقیقه بود، سپس فیلم را کوتاه‌تر کردیم و به لحاظ زمانی حضور آن خواهر و برادر کم‌شد، ولی همچنان نقش‌شان پررنگ است. حدود ۱۰ سال پیش در جریان ساخت یک فیلم به نام «گورخانه» که به نوعی موقعیت اجتماعی زندگی روز اصفهان و اقلیمش را پی‌گیری می‌کرد، در یک زمستان به آخرین روستای کناره زاینده رود به نام گورتان رسیدم. این خواهر و برادر را که تنها ساکنان آنجا بودند، در یک قلعه قدیمی پیدا کردیم. در همان زمان به‌طور مفضل از صحبت‌های مان با آنها فیلمی گرفتیم که متأسفانه آن فیلم هیچ‌وقت استفاده نشد. من همچنان در ۱۰ سال اخیر به اقتضات مختلف راجع به زاینده رود، از سر چشمه تا تالاب گاوخونی فیلم‌هایی را کار کرده‌ام، تا این که دو سال پیش از سمت فولادساز که پیشنهاد ساخت یک فیلم در مورد نحوه مصرف و وضعیت رودخانه به من شد که نتیجه همان فیلم «بدرود زاینده رود» شد.

■ قرار است این خواهر و برادر در حاشیه باشند و زاینده رود حرف اصلی را بزنند؟
 روایت فیلم برای من و گروهم یک تجربه جدید بود. در آغاز یک گیتاریست که از قرار موزیسین فیلم ما هم است، در یک کویر تنها نشسته و هم‌زمان با خورشید غروب در پشت سرش، شروع به بداهه‌نوازی یک قطعه می‌کند و همراه بانوای این گیتار به شهر می‌رویم. شاهد باران اردیبهشت و حیات رودخانه هستیم و یک اکیب همراه فیلمبردار که به نوعی راوی اول شخص است، به مادی‌ها و نهرهای اصفهان می‌رویم. ضمن این که شادکامی مردم ناشی از حیات رودخانه را در حاشیه بالادست آن نشان می‌دهیم. از طرفی می‌بینیم که در کنار رودخانه چه اتفاقاتی از قبیل تخریب درختگاه‌ها و آلودگی بالادست‌ها و خشکی روستاها در حال وقوع است. سپس به روستای گورتان می‌رویم و از یک جایی به بعد که به گاوخونی می‌رسیم، همان تصاویر ۱۰ سال پیش ما هم نمایش داده می‌شود و در همان لحظه شاهد گاوخونی خشک الان و ۱۰ سال پیش گاوخونی پر از آب هستیم. در آخرین روز فیلمبرداری به همان کویر خشک کنار رودخانه می‌رسیم که در ابتدای فیلم هم بود. فیلم ریتم تند و همزمانی دارد.



پرسه در دنیای آقای کیمیایه

جواد طوسی از «قهرمان آخر» می‌گوید؛ این مستند با مروری بر زندگی هنری و شخصی مسعود کیمیایی به تحلیل پنج دهه فعالیت هنری این فیلمساز سینمای ایران می‌پردازد

عرفان جلالی

jalali.raf@gmail.com

جواد طوسی در مستند «قهرمان آخر» سعی کرده با بهره‌گیری از کلیشه‌های رایج و فاصله گرفتن از آثار پیشین ساخته شده درباره مسعود کیمیایی، زوایای مختلف زندگی شخصی و هنری این کارگردان مولف را به تصویر بکشد. با طوسی درباره ابعاد مختلف این مستند گفت‌وگو کرده‌ایم.

نشانه‌های سینمای کیمیایی

سوال اول مان از جواد طوسی درباره محور کلی مستند «قهرمان آخر» است: «مستند «قهرمان آخر» در ارتباط با مولفه‌ها، نشانه‌ها و عناصر تکرار شونده در سینمای مسعود کیمیایی است. ما در این مستند در مقام مصاحبه‌کننده، تعریف‌های خودمان را در خصوص سینمای کیمیایی مطرح می‌کنیم و ایشان هم درباره این موضوع نظرات خود را بیان می‌کنند.» او که رفاقت دیرینه‌ای هم با مسعود کیمیایی دارد، می‌گوید در این مستند، تمام زوایای زندگی شخصی و هنری مسعود کیمیایی در قیل و بعد از انقلاب روایت شده و حتی در برخی از مواقع خود او به چالش کشیده می‌شود: «در این مستند به تمام زوایای سینمای مسعود کیمیایی اشاره کردیم و حتی این موضوع را هم مطرح کردیم که کارهای او در چند سال اخیر دچار افت شده است. کیمیایی هم درباره تمام این موضوع‌ها، توضیحات خود را از ابراهیم می‌دهد، حتی در این مستند ما گفته‌هایی را هم با علیرضا زرین‌دست انجام داده‌ایم و او هم نظرات خود را درباره مسعود کیمیایی و سینمای او ابراز کرده است.»

شناسنامه تصویری

این منتقد با سابقه معتقد است مستند «قهرمان آخر» می‌تواند به عنوان یک شناسنامه تصویری از مسعود کیمیایی به‌شمار آید. «مستند «قهرمان آخر» یک شناسنامه تصویری از کارهای مسعود کیمیایی است که هم مخاطبان پایه‌سین گذاشته‌اند و می‌توانند با دیدن آن نوستالژی‌هایی را برای خود تداعی کنند و هم علاقه‌مندان جوان سینما و حتی آن‌هایی که فیلم‌هایش را ندیده‌اند می‌توانند با دیدن این مستند، شناخت و اطلاعات بهتری از این کارگردان به دست آورند.» «قهرمان آخر» نخستین مستندی نیست که به بررسی زندگی هنری کیمیایی می‌پردازد، پیش از این هم آثار دیگری در این خصوص ساخته شده است. «مستند «قهرمان آخر» به مولفه‌هایی اشاره می‌کند که مستند او را از سایر آثار مشابه متمایز می‌کند: «تا آن جایی که اطلاع داریم با توجه به جایگاه، وجوه کار، زمانیک و همچنین نقش و جایگاه تاریخی و قدمتی که کیمیایی در تاریخ سینمای ایران دارد ناهل حال سه مستند دیگر هم درباره این کارگردان بزرگ ساخته شده است. این مسئله موجب شد تا در ساخت این اثر با محدودیت‌هایی روبه‌رو شویم، چرا که نمی‌خواستیم فرم‌های قبلی را تکرار کنیم. بنابراین تمام سعی‌ام را کردم تا در قالب یک مستند برتر، نگاه متفاوتی

Wandering in the World of Mr. Kimiayi

Javad Tousi the veteran film critic talked about Masoud Kimiayi, the Iranian famous director in "Last Hero" and analyses five decades of his activity in Iranian Cinema. He tried to get distance from common clichés especially from the works and documentaries have been made about him and attempted to portrait different angles of the director's personal and artistic life. "All the aspects of his character were challenged in this documentary even before Islamic Revolutionary and post-revolutionary. Kimiayi himself talked about them too. "Last Hero" presents a visual identity from Masoud Kimiayi's works and both old and young audience can enjoy to watch it, also get more information about him.

درباره فیلم

- نام فیلم: قهرمان آخر
- کارگردان: جواد طوسی
- تهیه‌کننده: رضاسلامی
- زمان: ۸۹ دقیقه
- درباره فیلم: «قهرمان آخر» مستند برتره‌ای از مسعود کیمیایی است که در آن به تمام زوایای فعالیت‌های هنری این کارگردان صاحب سبک در قیل و بعد از انقلاب پرداخته شده است.

با تردد و عبور در مراکز مرکزی تهران پوشش دادیم و سعی کردیم مایه‌های تصویری برایش پیدا کنیم، حتی دوربین‌ها را آزاد و رها به لوکیشن‌های رضا موتور، قیصر و گوزن‌ها که بافتش هم دچار تغییرات گسترده‌ای شده، بردم و تصاویری را گرفتیم.»

خلوت یک فیلمساز

از طوسی می‌پرسم تا چه اندازه به درونیت کیمیایی ورود کرده: «ما می‌خواستیم فیلم گفت‌وگو محور و متمرکز بر شخصیت کیمیایی باشد و همین موضوع کار را برای مان سخت می‌کرد، با این که شخصاً با او آشنایی داشتیم، اما به هر حال وارد خلوت چنین فیلمسازی شدن سخت است. همیشه هنگام کار شرایط مناسب در فواصل کوتاه فراهم نمی‌شد که او راحت و بدون دغدغه جلوی دوربین ظاهر شود و با تمرکز و انگیزه زیاد حرف‌های جالبی بزند که برای مخاطب جذاب باشد. از سوی دیگر نمی‌خواستیم شرایط به خصوصی را به او تحمیل و با عجله فیلم را تمام کنیم. به همین خاطر منتظر می‌شدم تا زمان مناسب فرا برسد، بعد سراغ او بروم و گاه این فاصله‌های زمانی خیلی طولانی می‌شد و یک بار حتی به ۶ ماه هم رسید. این شرایط موجب طولانی شدن فرآیند تولید فیلم شد.»

منبع نسل آینده

این منتقد سینمای «قهرمان آخر» را مأخذی برای نسل‌های آینده می‌داند و می‌گوید: «خواستم اثری تولید کنم که نسبتی با فردیت، شخصیت، شناسنامه، جهان‌بینی، دغدغه‌ها و زاویه نگاه و سینمای کیمیایی داشته باشد و جدای از شکل ظاهری یک مستند برتره، منبع و مأخذی باشد برای نسل آینده. قطعاً کار کاستی‌هایی دارد و ممکن است این هدف صددرصد محقق نشده باشد، چون به هر حال محدودیت‌هایی در تولید این پروژه وجود داشته است، اما امیدوارم این اتفاق افتاده باشد.»

کیمیایی و سینمای وسترن

او به تمپدیاتی اشاره می‌کند که برای ایجاد کشش و جذابیت در مستندش به کار گرفته: «در این فیلم سعی کرده‌ام با افزودن مصادیق مختلف از یکسو جهان‌بینی کیمیایی را کامل‌تر کنم و به تصویر بکشم و از سوی دیگر بر جذابیت کار اضافه کنم. این مصادیق می‌توانست فیلم‌ها و آثار خود کیمیایی باشد یا فراتر از آن، یک‌سری از آثار و گونه‌های سینمایی که جزو تعلقات خاطر او است که پررنگ‌ترین نقطه‌اش در واقع سینمای وسترن است. پس از جنبه‌ها و نقاط مشترک سینمای وسترن مانند مقوله‌های پایداری، مقاومت و قهرمان که با فیلم‌ها، جهان‌بینی و دیدگاه‌های کیمیایی مرتبط بود، وام گرفتیم. در مواردی محدود حتی با فراتر از این گذاشته و علاوه بر آثار او به قهرمانان دیگر سینمای وسترن هم اشاره کردیم.»

پرسه دوربین در شهر

طوسی به نکته دیگری که در جهت ایجاد جذابیت منطقی در مستندش در نظر گرفته، اشاره و تصریح می‌کند: «در این فیلم یک قالب اجرایی در نظر گرفتیم و آن پرسه‌زنی دوربین در سطح شهر است. به هر حال کیمیایی یک فیلمساز شهری است که ریشه تهرانی دارد، بنابراین بخشی از این شناسنامه را از طریق خود او

**دو منفعت مهم
سینمای مستند**

**کار هنرمند موافق کردن
مخاطب با پیام نیست،
بلکه تحت تاثیر قرار
دادن او است**

سینما زبان مناسبی برای بیان مسایل اجتماعی است و به همین دلیل در دنیا جادوی تصویر توانسته همه سال ها مردم جهان را به سمت خود جلب کند. جریان سینمای مستند و ژورنالیست از دل جنگ جهانی دوم به وجود آمد. در دانمارک از حدود ۳۰ سال پیش سینمای مستند تبدیل به تبلیغ و پروپاگاندا شد، از این رو مردم از مستند خسته و به سوی شوهای تلویزیونی و کمپدی های سهل الوصول روی آوردند، اما بعد از مدتی جامعه نسبت به فیلم های مستند و اطلاع رسانی آن ها احساس نیاز کرد. در سینمای مستند دو منفعت وجود دارد؛ نخست برای جامعه بشری که نیاز به اطلاع رسانی دارد و دوم برای هنرمندان که آن چه درون شان هست را بیان کنند، به همین دلیل است که برای سینما باید اهمیت ویژه ای قائل شد. اگر هنرمند بتواند پیامش را به درستی منتقل کند، روی مخاطب تاثیر می گذارد، حتی اگر با آن پیام موافق نباشد. کار هنرمند موافق کردن مخاطب با پیام نیست، بلکه تحت تاثیر قرار دادن او است و این آن چیزی است که هنرمندان می خواهند و در سینمای مستند بروز پیدا می کند. سینمای حقیقت یک فکر برآمده از حس انسان است. یکی از اتفاقاتی که در دانمارک افتاده مربوط به مدرسه سینمای دانمارک است، مدرسه ای که با دانشجویان تعامل خوبی دارد. ما در این مدرسه به کسی نمی گوئیم چه چیزی خوب یا بد است، بلکه از پیشینه خانوادگی دانشجویها برای خلق آثار هنری شان استفاده می کنیم. ما باید بدانیم چه درکی از بشر و دانشجو داریم و به تجربیات یک فرد در زندگی اش بدون قضاوت ارج نهم، باید بدانیم دانشجو قبل از ورود به این مدرسه چه تجربیات و مشاهداتی داشته و چه درکی از جامعه دارد، همچنین باید بدانیم جامعه روی افراد چه تاثیری دارد. درباره این مسایل با دانشجویان صحبت می کنیم تا بدانیم آن ها چه توقعی دارند. می خواهیم بدانیم هنس از دل هنرمند بیرون می آید یا از طریق مدرسه تزیین می شود.

یادداشت



آرشیو
رئیس دانشکده فیلم کویپهاک دانمارک

تدوینگر به مثابه یک مترجم

کارگاه تدوین در فیلم مستند با انتقال تجربیاتی از ورونیک لاگوار دسگو بر گزار شد

سارا شمیرانی

Sara.shemirani66@gmail.com

موضوع کارگاه | تدوین در فیلم مستند
مهمان | ورونیک لاگوار دسگو

کارگاه آموزشی چهارمین روز جشنواره سینما حقیقت به موضوع تدوین در فیلم های مستند اختصاص داشت. ورونیک لاگوار دسگو، تدوینگر فیلم های مستند که پیش از این نیز کاندیدای دریافت اسکار شده بود، در این کارگاه از تجربیات خود در زمینه تدوین فیلم های مستند گفت و تجربیات خود را با نمایش فیلم مستند «پنج دوربین شکسته» در اختیار حاضران در کارگاه گذاشت. گفته های او را بخوانید:

داستان «پنج دوربین شکسته»

ابتدا به دلیل مثال هایی که ورونیک لاگوار دسگو از مستند «پنج دوربین شکسته» می آورد، لازم است توضیح دهیم این مستند روایتی از توسعه شهر کسازای اشغالگران، از یک کارگردان آماتور در مورد رنج و محنت های ساکنان کرانه باختری است. این مستند روایتی واقع گرایانه از مقاومت فلسطینیان روستای «لمین» است که برای بازپس گیری اراضی خود از غاصبان رژیم اشغالگر قدس، سال ها به صورت مستمرانه هر هفته تظاهرات کردند و با ارتش رژیم غاصب نبرد سخت و تن به تنی داشتند. مستند «پنج دوربین شکسته» به تلاش های ساکنان روستای

معرفی فیلم های امروز



فصول در کویبسی: چهار پرتره از جان برچر
کارگردان: کالین مک کیب، کریستوفر
راث، تیلدا سوئیستن، بار تک، زیاد ژ
انگلستان ۲۰۱۶

2 هنرمند پرکار، فیلسوف، نویسنده، داستانگو و یک فعال حقوق بشر تندروی رادیکال؛ جان برچر همه این هاست و در این مستند زنده که به شیوه ای الهام بخش به زندگی سوزناش نزدیک شده، چهره های مختلف او را می بینیم. سال ۱۹۷۳ برگر از ابر شهر لندن به دهکده ای کوچک به اسم کویبسی نقل مکان کرد. این مستند در چهار بخش، ایده ها و موتیف های ثابت کارهای برگر را دنبال می کند و همزمان به بافت و تاریخچه خانه کوهستانی او هم توجه دارد. «راه های شنیدن»، «بهار»، «آهنگ سیاست» و «برداشت محصول» این چهار بخش هستند. مستندی صمیمی که آشکارکننده جزئیات فکری شخصیتش است.



دوران خانه
Far from home
کارگردان: نیتش آنجان
دانمارک ۲۰۱۴

1 یک مستند تقریباً تئوبیوگرافیک است. پدر نیتش که هم کارگردان و هم نویسنده این مستند است، تصمیمی گرفته؛ تصمیمی که نه تنها زندگی خودش که زندگی بچه هایش را هم برای همیشه تغییر می دهد. او می خواهد از اجازه اقامت در دانمارک صرف نظر کند و به کشور زادگاهش یعنی هندوستان بازگردد. هیچ چیزی هم نمی تواند نظرش را تغییر بدهد. نیتش این فیلم را ساخته تا از تصمیم اسرارآمیز پدر کم حرفش سردر بیورد و همان طور که فیلم جلو می رود، متوجه پیچیدگی ها و ضروریات دراماتیک زندگی می شویم که مطابق نقشه های آدم ها پیش نمی رود. پدری که زمانی به عنوان یک طرفدار دوآتشف مولند باب مارلی به دانمارک رفته بود.

تام پاورز بر گزار کننده
فستیوال‌های نیویورک و تورنتو از
جشنواره سینما حقیقت می گوید

سوال‌ها فعالیت در زمینه برگزاری جشنواره‌های فیلم مستند در دنیا، این تجربه را به من آموخت تا با جهان بینی کشورهای مختلف آشنا شوم. کشورهایی که هر کدام بسته به فرهنگ و تمدنی که دارند موضوعاتی را برای ساخت فیلم انتخاب می‌کنند. البته باید بگویم در چند سال اخیر سینمای خیلی از کشورها، تحت تاثیر سینمای هالیوود به ایجاد تصویرهای تکراری بسنده کرده‌اند. در واقع هالیوود توانسته هویت واقعی فیلم‌های مختلف را از آن‌ها بگیرد و فرهنگ خودش را صادر کند. اما خوشبختانه سینمای مستند ایران از این مسأله رهایی یافته است. در فیلم‌های ایرانی همچنان شاعرانگی وجود دارد و این مهم‌ترین موضوعی است که می‌تواند سینمای ایران را از دیگر کشورها متمایز کند. از نظر من مهم‌ترین موضوعی که یک فیلمساز مستند باید به آن پایبند باشد، موضوع مورد علاقه‌ای است که درباره آن فیلم ساختن را شروع می‌کند. این موضوع می‌تواند در هر زمینه‌ای باشد. از موضوعات اجتماعی گرفته تا شخصیت یک فرد مهم یا حتی موضوعات شخصی‌تری که مورد علاقه فیلمساز است. وقتی این علاقه وجود داشته باشد، امکان ساخت یک فیلم خوب بالا می‌رود. من به واسطه کاری که در این سال‌ها داشته‌ام هر سال نزدیک به ۵۰۰ فیلم مستند می‌بینم. تقریباً همه موضوعات در این سینما برایم تکراری شده، اما واقعیت این است که همچنان فیلم‌های خوب ساخته می‌شود.



پس بسیار مهم است که شما را نشاها را چندین بار ببینید و از دل آن‌ها صحنه‌هایی را انتخاب کنید که می‌تواند فیلم بهتری بسازد.

■ احساسات و نقش آن در فیلم‌های مستند

احساسات در فیلم‌های مستند نقش مهمی دارد. در واقع باید بگویم تاثیر گذاشتن روی مخاطب از دل صحنه‌هایی بیرون می‌آید که احساساتی‌تر هستند. این کار کمک می‌کند فیلم‌های مستند دراماتیک به نظر بیایند و این دراماتیک کردن بر عهده تدوینگر است. البته ممکن است برای شما این سوال مطرح شود که دراماتیک کردن فیلم‌ها، آن‌ها را شبیه فیلم‌های داستانی می‌کند و هویت مستند را زیر سوال می‌برد. در پاسخ به این سوال باید بگویم که از نظر من فیلم‌های مستند خیلی بی‌شباهت به فیلم‌های داستانی نیستند. تنها تفاوت در این است که در مستند دیکواری وجود ندارد و همه چیز با یک برداشت گرفته می‌شود. پس با این برداشت باید فیلم تدوین شود. اگر بخواهم به صورت عملی دربارم مونتاز حرف بزنم، باید فیلم «بنج دوربین شکسته» را مثال بزنم. موضوع فیلم در تکه‌های جنگ است و از اول قرار نبود هیچ جناح‌بندی داشته باشد.

■ به فیلم‌ها خیانت نکنید

تلاش کرده‌ام هیچ فرض‌روزی در تدوین وجود نداشته باشد. وقتی را نشاها را به من تحویل دادند، تقاضا کردم مرا چند وقتی تنها بگذارند تا تصمیم بگیرم تصویرها را چگونه کنار هم بچینم، در واقع دلم نمی‌خواست به فیلم خیانت کنم. این خیلی مهم است که شما در کارهای مستند تصورات همیشگی‌تان را کنار بگذارید و به صورت واقع‌بینانه عمل کنید. گاهی وقت‌ها فیلم‌ها با باورهای ما مغایر هستند. پس باید تلاش کرد از این باورها دور شد و به سمت واقعیت پیش رفت. تدوین «بنج دوربین شکسته»، هم از جهت نگاه متفاوت دو کارگردان و هم به علت این که من با دو کارگردان مرد همکاری می‌کردم. کار را برابریم پیچیده می‌کرد. شروع کار در «بنج دوربین شکسته» با تصاویر مبهمی آغاز می‌شود که به صورت عمدی این تصاویر را انتخاب کردم، چون دوست داشتم مخاطب بیشتر فیلم را حس کند تا آن را ببیند. تصاویر مبهم هستند و تنها صداهای مختلفی در فیلم می‌شنویم این تصاویر خیلی نزدیک هستند و تصویر روشنی به ما ارائه نمی‌دهند. آغاز فیلم که در واقع مثل پیش‌گفتار است، نقش مهمی در جذب مخاطب دارد. پس باید با حساسیت بالا، تصاویر مربوط به شروع را انتخاب کرد. بعد از این تصاویر نوبت به معرفی شخصیت می‌رسد که ما به وسیله فرزندش سعی داریم او را معرفی کنیم.

■ در تدوین می‌توان کار را جهانی کرد

در «بنج دوربین شکسته» تلاش شد فیلم روایت ژورنالیستی نداشته باشد. من برای این فیلم ۴۵۰ دقیقه راش در اختیار داشتم. پیدا کردن یک ساختار درست بسیار سخت بود. نخستین شرط هم برای تدوین این بود که فیلم بعد جهانی داشته باشد. یک کار هم با مینا کشاورز انجام دادیم؛ فیلمی با عنوان «در میان امواج» که من را با فرهنگ ایرانی آشنا کرد. فکر می‌کنم انتخاب یک فرد خارجی برای تدوین فیلم‌ها کمک می‌کند فیلم بعد جهانی پیدا کند و حرف‌هایش بیشتر به گوش مردم برسد.

Editor as A Translator

Editing Workshop in Documentary Cinema Was Held with Transferring Experiences from Veronique Lagoard segot The educational workshop of 4th day of 10th Iran International Documentary Film Festival was allocated to editing in documentary films. Veronique Lagoard segot the editor of documentary films who was Oscar Nominee too talked about her experiences about editing while she talked about "Five Broken Cameras" as one of her best experiences. Don't Betray Films "I has tried to wont be spitefulness in editing. When I was editing "Five Broken Cameras" after they delivered rough cuts, I asked the director to let me be alone for a while to decide how I can cut them. Actually, I didn't want to betray the film. This is very important that you put your routine imaginations away and act more realistic."

«بلعین» (در کرانه باختری روداردن در فلسطین) برای وادار کردن نیروهای اسرائیلی به ترک زمین‌های اشغال شده‌شان می‌پردازد. در این مستند شاهد ترازدی کاملاً مستندگونه‌ای هستیم که چگونه پنج دوربین عماد در یک فرآیند زمانی توسط سربازان اسرائیلی شکسته می‌شود و عنوان فیلم اشاره مستقیم به تعداد دوربین‌های شکسته شده «عماد» کشاورز است.

■ مدیریت زمان، نقطه کلیدی در تدوین

کار مونتاز در فیلم مستند، کار ویژه و منحصر به فردی است؛ منحصر به فرد از این جهت که انکار قرار است همه چیز از اول در سالن مونتاز اتفاق بیفتد. تدوینگر قبل از این که شروع به کار کند باید داستان کارگردان را بشنود. کارگردان‌ها اصولاً داستان‌شان را با کلمات بیان می‌کنند و این تدوینگرها هستند که به ساختن یک تصویر درست از کلمات کمک می‌کنند. وقتی ما فیلمی را می‌بینیم باید قبول کنیم که تلاش زیادی شده تا از دل تصویرهای خام یک فیلم به وجود بیاید. در واقع تدوینگر آن‌ها را ساخته و کمک کرده تا یک اثر، به رسالتی که دارد، عمل کند. اگر بخواهم یک نکته کلیدی درباره تدوین بگویم، باید به مدیریت زمان اشاره کنم. گاهی وقت‌ها تدوینگر صد دقیقه راش در اختیار دارد و باید از این صد دقیقه یک فیلم ۵۰ دقیقه‌ای بسازد.

Introduction to Films



■ برادران
Brothers
■ کارگردان: ووژیچ استارون
■ لهستان ۲۰۱۵

داستان دو برادر لهستانی است که تصمیم می‌گیرند از یکی از کمپ‌های کار اجباری شوروی فرار کنند، اما نمی‌توانند از همدیگر بگریزند. هم عشق برادری بین‌شان در جریان است و هم از یکدیگر نفرت دارند. یکی از آن‌ها هنرمند است و طبعاً ذهنی انتزاعی دارد و دیگری دانشمندی واقع‌گرا. برای روایت داستان این دو برادر، کارگردان بارها با آن‌ها ملاقات داشته است و آنقدر به آن‌ها نزدیک شده که تقریباً او را جزئی از زندگی روزمره‌شان حس می‌کردند. فیلمساز موفق می‌شود گذر زمان را در زندگی دو برادر ثبت و آشکار کند که با وجود تفاوت‌های‌شان چه پیوند عمیقی بین آن‌ها وجود دارد.



■ درخت گردو
Awalnuttree
■ کارگردان: عمار عزیز
■ پاکستان ۲۰۱۵

فیلم درباره پیرمردی است که مجبور می‌شود به خاطر جنگی که قرار بود بین طالبان و ارتش پاکستان دربیگردد، خانه‌اش را در یکی از شهرهای پاکستان رها و در یک کمپ زندگی کند. او حالا خاطرات دور خانه‌اش را مرور می‌کند. پیرمرد سابقاً معلم بوده و حالا می‌خواهد به همان خانه‌اش برگردد. خانواده‌اش در حال حاضر امنیت ندارند و آینده هم برای‌شان مبهم است. مستندی تلخ درباره مهاجرت اجباری، گرچه در داخل مرزهای کشور اتفاق می‌افتد. فیلم عزیز یکی از چهار مستندی است که تحت عنوان پروژه‌ای به نام «عدالت» کلید خوردند. فیلم در چند جشنواره آسیایی شرکت داشته و جوایزی هم کم کرده است.

حرارت ویژه‌های کاغذی و دیجیتال

همزمان با چهارمین روز این رویداد شاهد انتشار همزمان چند مطلب ویژه در روزنامه‌های مختلف بودیم. گفت و گو و گزارش‌های مکتوب در کنار مطالبی سایت‌ها و خبرگزاری‌ها و البته گروه‌های تلگرامی حرارت جشنواره در رسانه‌ها را به آج رساند.



حسین خوش مستندسازی
روایت نگاه‌های هنگرانی از مستند جدیدش «مردان آریاب جیشید» با او درباره این فیلم و ران

از مستندهای مورد استقبال مخاطبان در این روز، «اوانتاز» به کارگردانی محمد کارت و «غزال ایرانی» ساخته وحید فرجی بود که مخاطبان بسیاری برای دیدن آن‌ها در کاخ جشنواره صف کشیده بودند. البته بر مخاطب‌ترین مستند روز سوم جشنواره «دیپلماسی شکست ناپذیر آقای نادری» ساخته بهتاش معنای‌ها و مریم مقدم بود که به همین دلیل هم در سانس ویژه ساعت ۲۲:۴۵ دقیقه دوباره به نمایش درآمد.

رسانه‌های کاغذی

روزنامه سینمایی «صا» همچنان ویژه‌ترین رسانه کاغذی همراه با جشنواره دهم است و با انتشار چهار صفحه ویژه‌نامه روزانه و توزیع آن در پردیس چارسو به نوعی همراه اصلی ما (نشریه روزانه) در پوشش جشنواره برای مهمانان کاخ است. دیروز اما در کنار این روزنامه سینمایی، چند روزنامه سراسری هم بخشی از صفحه نخست خود را به مطلبی مرتبط با سینمای مستند اختصاص دادند. روزنامه «هفت صبح» گفت‌وگوی مشروحی با پگاه آهنگرانی از مستندسازان جوان و البته شناخته‌شده حاضر در جشنواره دهم منتشر کرد تا او از «لذت مستندسازی» بگوید. پگاه آهنگرانی با فیلم مردان آریاب جمشید در جشنواره دهم حضور دارد. همزمان روزنامه «وطن امروز» هم سراغ سه مستندساز با نگاهی متفاوت رفت تا از «حقیقت گمشده» بگویند.

رسانه‌های برخط

بازار بحث و نقد هم به اشکال مختلف در خبرگزاری‌ها داغ بود. از جمله خبرگزاری‌های مهر، ایسنا و فارس، که هر کدام با زاویه دید خاص خود به پوشش اخبار این اتفاق مهم سینمایی پرداخته‌اند. در این میان سایت آی سینما گزارش مبسوطی از وقایع روز سوم جشنواره منتشر کرده و به حضور پررنگ مهمانان سرشناس پرداخته است: «از میان مدیران فرهنگی چهره‌هایی چون علی جنتی وزیر سابق فرهنگ و ارشاد، حجت‌الله ایوبی رئیس سازمان سینمایی، دو نماینده مجلس شورای اسلامی محمدعلی پورمختار نماینده بهار و کیوونز آهنگ و امیر خجسته نماینده همدان، فرید فرخنده‌کیش مدیر عامل انجمن سینمای جوان به همراه سید عباس فاطمی حضور داشتند و از میان هنرمندان نیز داوود خیام، مریم نثیبا، رخشان بنی اعتماد، احسان بیگلری، علیرضا شجاع نوری، محمد مهدی عسگرپور و برخی چهره‌های دیگر به تماشای برخی مستندها نشستند.

نشریه روزانه دهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند تجربی

شبکه‌های اجتماعی

- مدیر مسئول: محمد مهدی طباطبایی نژاد
- سر دبیر: آرش خوشخو
- دبیر تحریریه: وحید سعیدی

- سینمای ایران: احمد رنجبر
- بخش انگلیسی: سمیه قاضی زاده
- بخش بین‌الملل:
- صوفیا نصرالهی و سارا شمیرانی
- بخش خبری: محمد صابری
- عکس: مریم سعید پور

- تحریریه:
- لیلا علیپور
- سمیه علیپور
- سوسن سیرجانی
- عرفان جلالی
- زهرا عباسی
- محمد رضا کاظمی
- با تشکر از همراهی:
- مرجان فاطمی

بخشید شما؟

یکی از اتفاق‌های عجیبی که روز گذشته در اصلی‌ترین محفل رسانه‌ای اهالی مستند یعنی کانال تلگرامی «بحث مستند» شاهد بودیم، اظهار نظرهای خاص برخی چهره‌های شناخته‌شده در سینمای مستند بود که البته این اظهار نظرها از سوی دیگر اعضای پاسخ نماند.

تبلیغ بهیوبی!

«همین الان سانس ویژه مسافران، سالن یک» این بیگامی بود که دیشب و در ست همزمان با ساعت ۲۲:۴۵ یعنی همان زمان سانس ویژه برای نمایش فیلم منتخب روز، توسط یکی از کاربران در گروه به اشتراک گذاشته شد، پیامی برای فراخوان نمایش فیلم که مستقیماً مخاطبان آنلاین جشنواره و طبیعتاً مهمانان حاضر در پردیس چارسو را مخاطب قرار داده بود. این هم نوع تازه‌ای از تبلیغ و فراخوان است که جز با ظرفیت شبکه‌های اجتماعی، ابزار دیگری برای بهره‌گیری از آن قابل تصور نیست.

منوهای اشتراکی

اتفاق جالب دیگری که حالا در برخی گروه‌های رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی بیشتر می‌توان شاهدش بود، به اشتراک گذاشتن فهرست‌های پیشنهادی از سوی مخاطبانی است که در نوبت اول نوانستند مستند خاصی را ببینند و حالا از طریق شبکه‌های اجتماعی تلاش می‌کنند لذت خود را تماشای این آثار را با دوستان و همکاران به اشتراک بگذارند. این فهرست‌ها معمولاً نظراتی شخصی هستند و طبیعتاً مخاطبان هم می‌توانند با شناختی که از فرد پیشنهاد دهنده دارند، بر مبنای این فهرست‌ها دست به انتخاب بزنند. این‌جا دیگر معیار و مبنای پیشنهاد مهم نیست.



مستندساز در کمین مستندباز!

در شبکه‌های اجتماعی به جشنواره سینما حقیقت چطور پرداخت شده است

بازی حالا بیش از گذشته جدی شده و حجم پوسترها، بریده فیلم‌ها و تیزرهای مرتبط با مستندسازان حاضر در جشنواره در گروه‌های تلگرامی و کانال‌های خبری بیش از روزهای ابتدایی جشنواره شده است.

سانس ویژه برای دختران افتخار

از مستندهایی که در نیمه نخست جشنواره با استقبال ویژه مخاطبان مواجه شد، مستند «صفر تا سکو» به کارگردانی سحر مصیبی بود. روایتی متفاوت از زندگی شخصی سه قهرمان ملی که مسیر پرسنگلاخ را برای رسیدن به سکوهای افتخار جهانی طی کرده‌اند. تهیه‌کنندگی این مستند درباره زندگی خواهران منصوریان را مهتاب کرامتی برعهده داشته و شاید استقبال از نخستین آیین رونمایی این مستند بی‌ارتباط با حضور این ستاره سینما در تیم تولید آن نبوده باشد، با این وجود، استمرار استقبال از این فیلم نشان از ظرفیت محتوای آن برای جذب مخاطب دارد. همه این مقدمه برای این بود که بگوییم اگر هنوز موفق به تماشای مستند سرگذشت شهر بانو، الهه و سهیلا منصوریان از قهرمانان ووشو کار کشور نشده‌اید می‌توانید در سانس ویژه امشب یعنی ساعت ۲۲:۴۵ در سالن شماره یک به تماشای «صفر تا سکو» بنشینید. مستندی که در روز دوم جشنواره رونمایی شد، اما هنوز متقاضیان بسیاری برای اکران ویژه دارد؛ پس کمی زودتر خود را به چارسو برسانید!

نکته روز

- گرافیک و فنی
- مدیر هنری: علیرضا ابراهیمی
- صفحه آرایی: فرشاد بذرافشان
- اجرای و هماهنگی: مریم رضوانی
- ویرایش عکس: محمد بذرافشان
- ویرایش و تصحیح: نجمه درزلو

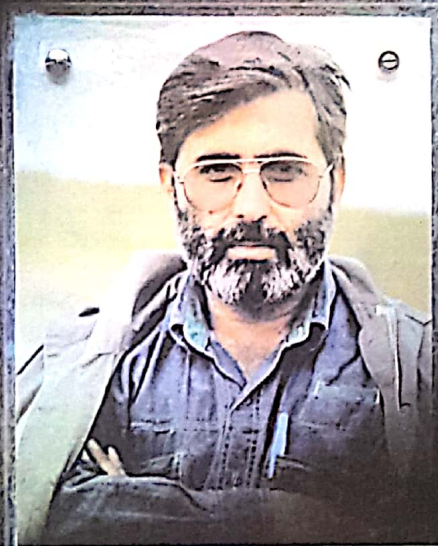
- باسپاس فراوان:
- منوچهر طبیب و مرتضی رزاق کریمی

- با تشکر از همراهی:
- حامد خورشیدی، محمود صادقلوی گیوی
- و علی اصغر لشنی



کاشان 5000

پرونده روز:
جایزه شهید آوینی



مستندسازی به حکم فطرت

سینما چگونه در خدمت «مقاومت» قرار می گیرد؟

انجام می شد و رزم آوران آن بسیجیان دبیح الله بودند با جنگی که برای قدرت طلبی، استعلا و استکبار به وسیله سفاکان فاسدی چون صدام آغاز می شد. بخش دیگر از تفاوت ها به «قالب و تکنیک» بازمی گردد. یک چنان محتوایی ناخود آگاه قالب های بدیعی را طلب می کرد. همین محتوا بود که قالب ظهور و تجلی خود را در فیلم های «روایت فتح» پیدا کرد و به منصف ظهور رسد. همه تفاوت های تکنیکی - از قبیل تراولینگ های بلند پایه پای رزم آوران، حرکات واکنشی دوربین، نگاه از درون به بیرون؛ زاویه های تنگ، روان شناسی خاص مخاطبان، عدم تصنع و غیره - ناشی از همین تفاوت های محتوایی است و ما قالب های خود را بر جنگ تحمیل نکردیم، بلکه در طول تجربه و به حکم فطرت قالب هایی را یافتیم که قالب خصوصیات این جنگ مقدس باشد.

■ سید مرتضی آوینی
بر بدهی از مقاله «واقعیت در سینمای مستند»

2 بسیار بودند که در جنگ به دنبال خودشان می گشتند. بعضی ها هم به دنبال صحنه هایی می گشتند که در فیلم های وسترن دیده بودند. فیلمبردارهای ما خودشان بسیجی بودند، با همان روحیات و آرمان ها، بنابراین خیلی راحت با جبهه و زندگی خاص آن خومی گرفتند. فیلم های «روایت فتح» از «درون» به جبهه می نگرد، نه از «بیرون». اگر این دوستان خودشان را تزکیه نمی کردند و با پیش داوریهایی منشأ گرفته از تفکراتی غیربسیجی، غیرانقلابی و دور از امام(ره) پای به جبهه می گذاشتند، مسلماً نتیجه کارشان هرگز نمی توانست آن چیزی باشد که شما در «روایت فتح» دیده اید.

3 بخش عظیمی از تفاوت هایی که مستندهای جنگی ما با دیگر مستندهای جنگی پیدا کرد، مربوط به تفاوت هایی اساسی است که بین دو مفهوم از جنگ وجود دارد؛ جنگی برای دفاع از آرمان های الهی اسلام

1 غایت همه مستندها دست یافتن به واقعیت است، اما غالباً فیلمسازها مصالح کار خویش را از واقعیت می گیرند، ولی در نهایت بینش و سلیقه خاص خود را بر آن تحمیل می کنند؛ اجزا را به صورتی برانگنده از واقعیت می گیرند و آن ها را دیگر باره آنچنان که خود می پسندند با هم ترکیب می کنند. در فیلم های داستانی، فیلمساز واقعیت تازه ای را خلق می کند که در هر حال ناقص است، چرا که فیلمساز انسان کاملی نیست. در فیلم مستند نیز نوعی «انتخاب» فضاهای مورد نظر فیلمساز را از میان مجموعه فضاهای مربوط به عالم واقعیت جدا می کند و این انتخاب، خواه ناخواه حساوی و مبین بینش خاص فیلمساز از جهان است. این بینش پشتوانه انتخاب او است. پس فیلم مستند نیز در واقع برداشتی از واقعیت است؛ برداشتی که می تواند متناسب با تفکر و تعهد فیلمساز به واقعیت نزدیک یا از آن دور باشد.

تجربه نگاه شهودی سید

علیرضارضاداد، داور بخش جایزه شهید آوینی از کیفیت آثار جشنواره دهم می‌گوید. او معتقد است رد پای نگاه آوینی در فیلم‌های این بخش قابل مشاهده است.



سمیه علیپور
somaieha@gmail.com

بخش شهید آوینی از دوره‌های ابتدایی برگزاری جشنواره سینما حقیقت محلی برای بررسی و داوری فیلم‌هایی با مضامین دفاع مقدس و ارزش‌های مذهبی رایج در جامعه بوده است. در دهمین جشنواره سینما حقیقت ۲۰ فیلم بلند در کنار فیلم‌های کوتاه بخش شهید آوینی به رقابت می‌پردازند. با علیرضارضاداد، داور بخش شهید آوینی درباره آثار رسیده به بخش جایزه شهید آوینی گفت‌وگو

کرده ایم. این مدیر با سابقه سینمایی معتقد است استفاده از شیوه و منطق روایی مستندهای دفاع مقدس که توسط شهید آوینی ساخته شده‌اند، همچنین نگرش شهودی و اشرافی که در دیدگاه مرتضی آوینی قابل استنباط است، در این آثار نیز دیده می‌شود. از دیدگاه رضاداد یکی از نکات برجسته این بخش، حضور فیلم‌هایی با سوژه جنگ سور به، مدافعان حرم و اتفاقات مربوط به عراق است.

■ به طور مشخص چه ویژگی‌هایی فیلم‌های بخش آوینی را از سایر فیلم‌های حاضر در جشنواره متمایز می‌کند؟
عده‌تأثاری که مضمون دفاع مقدس داشته باشند، یا مانند این دوره تعدادی از مستندها در مورد مدافعان حرم، تعدادی در حوزه انقلاب اسلامی و تعدادی هم در حوزه ارزش‌ها و اولویت‌های دینی بود. این‌ها مضامین فیلم‌های بخش شهید آوینی است که تعدادی از آن‌ها به صورت مستقل و تعدادی نیز علاوه بر رقابت در بخش‌های دیگر این بخش هم داوری می‌شوند.
■ وقتی بحث از مستندهای شهید آوینی می‌شود، بیش از هر چیز جسارت و نگاه جست‌وجوگر شهید آوینی به ذهن می‌رسد. فیلم‌های مستندی که امسال در بخش شهید آوینی هستند، چقدر این ویژگی‌ها را دارند؟
در مجموع مستندهایی که در این بخش هستند، لاجرم باید در کنار موقعیت‌های جست‌وجوگر و بعضاً هم خطرناک، در موقعیت ویژه‌ای نیز قرار گرفته باشند، به خصوص در این دوره که تعدادی از مستندها در

مورد جنگ سوریه و مدافعان حرم یا مستندهایی بودند که در حوزه تحرکاتی در عراق ساخته شده بودند. همه این‌ها این ویژگی‌ها را دارند و مستندهایی هستند که در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز و با نگاه جست‌وجوگرانه ساخته شده‌اند. امسال در دو حوزه عراق و سوریه تعدادی مستند هستند که از این جهت شایسته توجه‌اند.
■ کدام طیف سنی از مستندسازان بیشتر سراغ موضوعات آوینی اینچنینی رفته بودند؟ یا در کل نمی‌توان چنین دسته‌بندی را قائل بود؟
نمی‌توان چنین دسته‌بندی را قائل شد. اما آثار این دوره بیشتر متعلق به جوان‌هایی بود که از روحیه باشهامت شهید آوینی برخوردار بودند، هم چابکی و جلاکی را داشتند تا بتوانند در موقعیت‌های اجرایی، تصویربرداری و تولید خودشان را با گروه‌هایی که در موقعیت‌های خطر قرار دارند، همراه کنند، هم این‌که به لحاظ ذهنی این آمادگی ذهنی را داشته باشند و بتوانند خطر بپذیر باشند. اما این مختص کارگردانان جوان نیست، همان‌طور که شهید آوینی هم در سنی شهید شد که از سنین جوانی گذشته بود. در کل تولیدات این دوره محصول

کار جوانان بود، به خصوص در حوزه کارگردانی، اما تهیه‌کنندگان‌شان افراد با شرکت‌هایی بودند که تجربه‌های کافی داشتند و قبلاً هم تولیداتی از این دست داشته‌اند. مثلاً چند تولید مربوط به موسسه روایت فتح بود. عمده فیلم‌ها توسط تهیه‌کنندگانی ساخته شده بودند که در این زمینه سابقه قابل توجهی دارند.
■ سطح کیفی فیلم‌ها حتماً در داوری‌ها لحاظ می‌شود، اما در این بخش از فیلم‌ها چقدر بحث کیفی و تکنیکی دارای اهمیت است؟ در واقع با توجه به این‌که اولویت‌های دیگری زمان ساخت فیلم‌هایی با این مضامین وجود دارد، به لحاظ بصری چقدر مورد داری‌هایی قرار می‌گیرند؟
مستندسازی در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز اتفاقاً به لحاظ کیفی خودبه‌خود از قابلیت‌های ویژه‌ای هم برخوردار است، چرا که وقتی مستندساز می‌تواند مخاطره‌انگیز بودن فضای فیلم و لحظه خلق آن اثر را در ابتدای کارش به مخاطب معرفی کرده و مخاطب در آن موقعیت بر مخاطره و خطرناک خود را پیدا کند، خودبه‌خود این به ارزشی تبدیل می‌شود و معمولاً هم

- اما آثار این دوره
- بیشتر متعلق
- به جوان‌هایی
- بود که از رومیه
- باشهامت شهید
- آوینی برخوردار
- بودند، هم چابکی
- و جلاکی را
- داشتند تا بتوانند
- در موقعیت‌های
- اجرایی،
- تصویربرداری و
- تولید خودشان را
- با گروه‌هایی که
- در موقعیت‌های
- خطرناک قرار دارند،
- همراه کنند

سوژه؛ ایستادگی

بخش «جایزه شهید آوینی» بخش ویژه نمایش و تقدیر از فیلم‌های مستند منتخب حوزه مقاومت، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است که برای سومین سال متوالی به عنوان یکی از بخش‌های اصلی جشنواره سینما حقیقت برگزار می‌شود. آثار حاضر در این بخش با وجود رویکرد مشترک محتوایی و توجه ویژه به مفهوم ایستادگی و مقاومت، از نظر انتخاب سوژه و نوع پرداخت به مفهوم مقاومت تنوع قابل توجهی دارند:

روایت مقاومت



بخشی از مستندهای ارایه‌شده به بخش جایزه شهید آوینی، مبتنی بر روایت یک واقعه است. در این گروه از آثار توصیف مختصات و جزئیات یک رویداد بیش از مفاهیم و تحلیل اهمیت دارد و از این منظر می‌توان این مستندها را روایت‌هایی گزارشی از یک واقعه توصیف کرد. مستندهایی همچون «بلتا»، «بازگشت به سرزمین طوی»، «نبرد بالمیرا» و «مخیم مدافع حرم» را می‌توان از این جنس آثار حاضر در جشنواره دهم دانست.

میراث مقاومت



بخش دیگری از آثار مستند، ضمن توجه به روایت ابعاد نادیده یک رویداد، نیم‌نگاهی به میراث به یادگار مانده از دوران انقلاب و دفاع مقدس هم دارند. در این دست آثار تلاش مستندساز بر این است تا مفهومی متناسب با مفاهیم ثبت‌شده در تاریخ تجربیات انقلاب و دفاع مقدس، درون‌مایه اصلی مستند را شکل دهد. «بازگشت شکفت‌انگیز سیمرغ»، «زمین» و «همسایه‌ها» نمونه‌ای از مستندهای مرتبط با میراث مقاومت در جشنواره امسال هستند.



حکایت آنچه این روزها در کشور سوریه و در جریان میدان داری مدافعان حرم شاهد هستیم به تعبیر رهبرانقلاب حکایتی «عجیب» است. ماجرای که دیگر رنگ‌وبوی خاطره و افسانه ندارد و درست در پیش چشم‌مان در حال رقم خوردن است. جوانانی که از تلاطم زندگی روزمره خود را رها می‌کنند و پا در میدان «دفاع» می‌گذارند، عازم کشوری غریب می‌شوند تا از حریم اهل بیت (ع) غربت‌دایی کنند. جوانانی که خیلی زود تبدیل به شاهدان حاضر دوران معاصر می‌شوند و ردای شهادت بر تن کرده و در صف «مدافعان حرم» جای ثابت پیدا کردند. روایت این حکایت هم ارزشی والا دارد و به همین منظور آثار مستند تولید شده با موضوع مدافعان حرم به صورت ویژه در دهمین جشنواره سینماحقیقت و در ذیل اهدای جایزه «شهید آوینی» مورد توجه قرار خواهند گرفت. بنابر اعلام دبیرخانه در بخش جایزه شهید آوینی جشنواره دهم، علاوه بر اعطای جایزه در سه بخش کوتاه، بلند و نیمه بلند، جایزه ویژه‌ای به برترین مستند مرتبط با شهدای مدافع حرم، اهدا خواهد شد. از منظر موضوعی و در میان مستندهای ارائه شده در هر سه بخش اصلی جایزه شهید آوینی، ۶ مستند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به جنگ با داعش و جریان‌های تکفیری در سوریه پرداخته‌اند که جایزه بخش مدافعان حرم براساس قضاوت هیأت داوران مستقل بخش شهید آوینی به یکی از این آثار اهدا خواهد شد. جایزه در نظر گرفته شده برای این بخش ۸۰ میلیون ریال است که به بهترین کارگردان فیلم برگزیده هیأت داوران با موضوع بحران سوریه و مدافعان حرم اهدا خواهد شد.

در اهمیت جایزه شهید آوینی

روایت علیرضا رضاداد از تاثیری که جایزه شهید آوینی روی روند مستندسازی داشته است

کاملاً از سرمایه‌ای که برای سینمای دفاع مقدس است، بهره گرفته‌اند و الان خودشان به عنوان خالق یک زبان سینمایی قابل معرفی هستند. فکر می‌کنم این کار شایسته‌ای است که در این حوزه انجام می‌شود و می‌تواند این زبان را حفظ و تقویت کند. این مستندها با این که در سوریه ساخته می‌شوند، ادامه همان سینمای دفاع مقدس ما است، یعنی بچه‌ها همان خطر را پیدا کرده‌اند و موقعیت‌های مخاطره‌آمیزی که پیدا می‌کنند برای ثبت تصاویر، حتی جای دوربین‌هایشان گره برداری شده است از جای دوربین فیلم‌هایی که در زمینه سینمای دفاع مقدس ساخته شده‌اند. اما نکته مهم دیگر این بود که استفاده از شیوه و منطق روایی مستندهای دفاع مقدس که توسط شهید آوینی ساخته شده‌اند و همچنین نگرش شهودی و اشرافی که در دیدگاه مرتضی آوینی قابل استنباط است، در این آثار نیز دیده می‌شود. در آثاری که ما دیدیم، این نکات بسیار ارزشمند بود.»

در بخشی از گفت‌وگو با علیرضا رضاداد این سوال را مطرح کردیم که جایزه شهید آوینی در جشنواره سینماحقیقت تا چه حد می‌تواند باعث زنده نگه داشتن این سبک از فیلمسازی در بین مستندسازها شود؟ پاسخش او را بخوانید: «ما اگر بخواهیم زبان هنری سینمایی مستندسازی را در مستندهای بعد از انقلاب به عنوان شاخصه مستند سینمای پس از انقلاب جست‌وجو کنیم، شاید بتوانیم بگوییم مهم‌ترین زبان سینمایی همین زبان است. اصولاً یک نوع گونه سینمایی، چه در داستانی و چه مستند که قابلیت این را داشته باشد که مورد تحلیل هنری و ساختاری قرار بگیرد و مربوط به سینمای پس از انقلاب باشد، آثار دفاع مقدس است. بنابراین علاوه بر ارزش مضمونی، زبان سینمایی و هنری آن هم خیلی خوب است که هر ساله پرتوی مجزایی روی آن انداخته شود. بعضی از جوانانی که در این دوره آثاری ساخته‌اند، خیلی روشن می‌بینیم که در این زمینه‌ها پیشرفت خیلی قابل توجهی کرده‌اند و



شهید آوینی می‌شوند؟

نخیر. اتفاقاً این امر باعث تعجب من شد. در فیلم‌های بخش بین‌الملل امسال، فیلم‌هایی هستند که همین رویکرد مضمونی و ساختاری را دارند، اما در بخش شهید آوینی نبودند. این موضوع را پیگیری کردم. بخش شهید آوینی محدود به فیلمسازان ایرانی و آثاری است که از ایران معرفی شدند و فیلم‌های بخش بین‌الملل فقط در همان بخش مورد داوری قرار می‌گیرند.

پیشنهاد شما این است که آن‌ها هم می‌توانند به بخش شهید آوینی اضافه شوند؟ نمی‌دانم تعداد این نوع فیلم‌ها چقدر است، اما اگر در بخش بین‌الملل هم به اندازه کافی آثار قابل توجه داریم که از این ادبیات، ساختار و زبان سینمایی استفاده و این نوع مضامین را پیگیری کرده‌اند و موضوع ساخت مستندان است، می‌توان در حوزه بین‌الملل هم این فضا را ایجاد کرد که توجه ویژه‌ای به این آثار شود.

این مستندسازها توانسته‌اند تجربه‌های کافی را پیدا کنند، به خصوص مستندهایی که در دوران دفاع مقدس ما ساخته شده‌اند، چه توسط شهید آوینی و چه سایر فیلمسازان، به لحاظ ساختار و زبان هنری خود تبدیل به الگو شده‌اند که الان در مستندها و برای شرایط پرخطر می‌بینیم از این ساختار استفاده شده و ساختار خیلی جذابی هم است. فیلمسازان در یک موقعیت پر مخاطره قرار می‌گیرند و می‌توانند آن موقعیت خود را به خوبی به مخاطبان خود منتقل کنند، از آن لحظه به بعد ما فقط وقایع و حوادث را تعقیب نمی‌کنیم، بلکه دنبال لحظات بحرانی که در فیلم به ما معرفی شده هستیم و این لحظات بحرانی ما را همراه می‌کند و دل‌نگرانی نسبت به سرنوشت فیلمسازها هم احساسی است که اضافه بر موقعیت جذاب سوره‌ها با ما همراه می‌شود. فکر می‌کنم این نکته بسیار مهم و موثر است. ساختار مستندهای دفاع مقدس و جنگی ما در این زمینه خیلی به کمک نسل جوان - چه ایرانی و چه غیرایرانی - آمده که نتوانسته‌اند در این موقعیت‌ها خود را حفظ کنند و فیلم خود را هم بسازند. **فیلم‌های بخش بین‌الملل هم وارد بخش**



- مستندهایی که در دوران دفاع مقدس ما ساخته شده‌اند، چه توسط شهید آوینی و چه سایر فیلمسازان، به لحاظ ساختار و زبان هنری خود تبدیل به الگو شده‌اند که الان در مستندها و برای شرایط پرخطر می‌بینیم از این ساخته‌اند استفاده شده و سافت‌آر فیللی جذابی هم است**

این روزهای مقاومت



همان‌طور که به صورت مجزا هم اشاره شد، حوادث جاری در منطقه به ویژه کشور سوریه و ماجرای مقابله نیروهای مقاومت با جهل جریان‌های تکفیری و به ویژه گروهک داعش، جزو موضوعات بکری است که علاوه بر امتیاز هم‌زمانی، زوایای پنهان بسیاری برای پرداخت دارد و همین نکته نگاه برخی مستندسازان را به این موضوع معطوف کرده است؛ «پسرم»، «ایرانیان مرتد»، «علی ممد» و «نسام آخر» از مستندهای مرتبط با حوادث سوریه در جشنواره امسال هستند.

هنر مقاومت

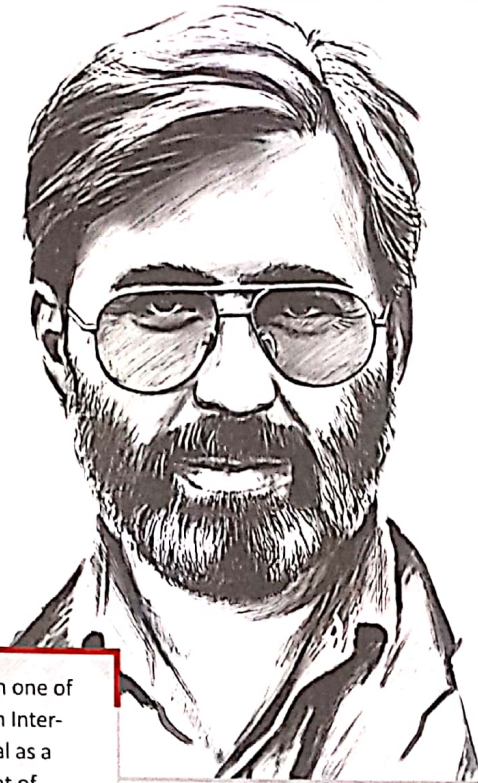


هر چند از نظر کمی تعداد مستندهای ارائه شده با این زاویه نگاه کمتر از دیگر آثار است، اما اهمیت آن به اندازه‌ای هست که نتوان آن را نادیده گرفت. در فهرست ۲۲ فیلم مستند ارائه شده به بخش جایزه آوینی، دو فیلم مستند مفهوم «مقاومت» را با «هنر» تلفیق کرده و روایتی متفاوت ارائه کرده‌اند. «بزم رزم» با موضوع موسیقی جنگ و «خانه‌ام ابری است» با روایت سرگذشت یک نقاش آواره سوری با رویکردی تازه به مفهوم مقاومت پرداخته‌اند.

شاهدان مقاومت



علاوه بر روایت مستندات تاریخی یا بازخوانی میراث به یادگار مانده از روزهای مقاومت، گروهی از مستندسازان سراغ از شاهدان گرفته و تلاش کرده‌اند از زاویه نگاه آن‌ها به بازخوانی تاریخ مقاومت بپردازند. نکته مهم تعدد بالای این رویکرد در مستندهای حاضر در جشنواره امسال است؛ «صدای سکوت»، «آن مرد زنده است»، «آن دو»، «بوالفضل نیستان»، «انحصار ورثه»، «چه اینجا» و «همان این روزها ایستادیم» از این دست مستندها هستند.



Martyr Avini" Section has been one of the oldest section of the Iran International Documentary Film Festival as a place for considering and judgment of documentaries with the subjects of war and Holy Defense also the religious values in the society. In 10th Cinema Verite, 20 full-length documentaries compete with short films in "Martyr Avini" Section. We talked with Alireza Rezaadad, the jury member of "Martyr Avini" Section about the received works to the section. The veteran cinematic manager of Iranian Cinema believes that using the narrative way and logic of Martyr Morteza Avini in making war documentaries. However, he also said that one of the most colorful subjects among te received works of this edition of the festival is Syria War, and some events related to it. "Generally, those works which are about Holy Defense or like this edition of the festival about Shrine Defenders, also some of them are about Islamic Revolutionary and some religious primaries. These are subjects of the works of "Martyr Avini" Section, while some of them were separated in some other competitive sections of the festival too. In its nature, making war documentaries put the filmmaker in dangerous and venture situations, by using this atmosphere the documentary-maker can transfer the feeling of his/her images to his/her audience and this is naturally a value. Because of all these characteristics war documentaries, in past and present are so fascinating, whether those which were made by Martyr Avini, or his friends and co-generations, or the new generation." Alireza Rezaadad

Holy Shrines 'Defenders



Story of what is going on in Syria and Shrine defenders is a "strange" story as the Supreme Leader of Islamic Revolutionary says; this is what is not a legend or myth but it is happening in front of our eyes. Youth who freed themselves from their routine lives and start to walk in the "Defense" way, travel to a foreign country to defend some holy shrines; the youth who will be soon the witnesses of their contemporary age and will be dressed the martyrdom dress.

Narrators of Resistance



Documentaries about resistance, Islamic Revolutionary, and Holy Defense in Martyr Avini Section of 10th Iran International Documentary Film Festival Cinema Verite and in three categories of short, half-length and full-length documentaries will be competed and judged. Best films of every each section will win orderly 8, 10, and 12 million Rials. This edition is the third years that best films about resistance, Islamic Revolutionary, and...

Heritage of Resistance



Another part of documentary works has a glance to the heritage of Holy Defense and Islamic Revolutionary of Iran. They try to reflect a concept relation to the recordings and experiences of revolutionary days. "Wonderful Return of Simorgh", "The Earth" and "The Neighbors" are samples of some documentaries, which their subjects are related to resistance, Islamic Revolutionary, and Holy Defense.

Art of Resistance



In 22-documentary list of Martyr Avini Section, two documentaries have combined concepts of "Resistance" and "Art" and they have presented different narratives. "Banquet of Battle" with the subject of war music, "My House Is Cloudy", with the subject of a personal narrative of a homeless Syrian Painter are two samples of the films about resistance.